

● ضرر مند اصلی جنگ غزه، لبنان

و سوریه ایران است

● آزادی با معنا و حقیقت ممکن خواهد بود

● کالکان: نه‌وهی تیران و حزب‌ولای هاندا

● دژی ئیسرائیل شهر بکن تورکیا بوو

● شهری رژیم له‌دژی کله کورد

● شهری هیبریدی به

آلترناتیو مجله‌ی سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی

ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان/پژاک

سال چهاردهم، نورهی سوم، شماره‌ی سی و سوم

بهمن ۱۴۰۳

JANUARY 2025



از زن زندگی آزادی || مرد میهن ایمن
جمهوری اسعالی
#مختار امین



الترناتيو

الترناتيو مجلهى سياسى، ايدئولوژيك و اجتماعى
ارگان رسمى حزب حیات آزاد كوردستان/پژاک





ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان / پژاک

آنترناتیو محله‌ی سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی

سال چهاردهم، دوره‌ی سوم، شماره‌ی سی و سوم

بهمن ۱۴۰۳



JANUARY 2025



مرکز مطبوعات
حزب حیات آزاد
کوردستان

آثار نوشتاری، نظرات، انتقادات و پیشنهادات خویش را برای ما ارسال نمایید

تحریریه حق انتخاب و ویرایش آثار را برای خویش محفوظ می‌داند.

telegram: jinjiyanazady
mail: presspjak@gmail.com

فهرست

	۵ سخن آغازین	
رهبر آپو	۷ مدل دولت - ملت شیعی ایران و نقش آن در خاورمیانه	بخش فارسی
مظلوم هفت‌تن	۱۲ تحولات سوریه و درس‌هایی که باید آموخت	
سنور گلاویژ	۱۶ آزادی با معنا و حقیقت ممکن خواهد بود	
سرهلدان چیا	۲۱ وضعیت جامعه و زنان در بی‌نهایت‌هایی از اجبار و ...	
توار زاگروس	۲۵ شعر برای پخش‌شان عزیزی و وریشه مورادی	
دوران کالکان	۵۶ خویندنه‌وهیه‌کی میژوویی بو دوخی هه‌نووک‌هی سوریا ...	بخش کوردی
ئامه‌د شاهۆ	۶۲ شه‌ری رژیم له‌دژی گه‌لی کورد، شه‌ری هیبریدی یه	
هاورپی شه‌هید	۶۴ ژن بوم و کورد	
	۵۰ معرفی کتاب	

سخن آغازین



رسیدگی نشود، اتفاقاً مردم خشمگین و آگاه به گزینه رادیکال‌تری خواهند اندیشید.

اینکه رژیم این تفکر بدسرشته را در سرداشته باشد که با آمریکا و غرب سازش کند و فرصت بیشتری برای سرکوب مردم در داخل بدست آورد، تنها یک خیال واهی خواهد بود. شاید رژیم با توسل به مشت آهنین و رویه‌های قهرآمیز بتواند چند صباحی دیگر به سرکوب مردم و منع آزادیهای آنها ادامه دهد، اما ابزارهای جامعه برای مقابله با این رویه، امروز بیشتر از سابق شده و مجهز به آگاهی و بیداری اندیشه و عمل شده است. این جامعه به جریان‌های آگاهی‌رسان جهانی از طریق وسایل ارتباطات جمعی وصل است لذا مهارش غیرممکن است.

آنچه امروز در ایران موضوع داغ روز را تشکیل می‌دهد، گذار از بحران‌های انباشته‌شده اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که در این میان، بحران محیط‌زیستی نیز یک وجه مشخصه و علی‌حده دارد. با این حال، رژیم پی‌برده که رفع بحران‌های اقتصادی می‌تواند به رفع تمامی بحران‌های دیگر منجر شود. اصلاح اقتصاد رو به فروپاشی کامل را نیز صرفاً از مسیر تعامل با اقتصاد جهانی می‌داند که البته سرآمد و هژمون آن، آمریکاست. به همین دلیل تهران می‌کوشد با بکارگیری دولت پزشکیان، زمینه‌های مذاکره با آمریکا را فراهم سازد و به سازش نهایی در این خصوص دست بزند تا اقتصاد خود را نجات دهد. البته بزرگترین هدف این اقدام که همانا نوشیدن جام زهر توسط خامنه‌ای است، صرفاً اقتصاد نیست، بلکه در پشت کوه بحران‌های آن، ترس از فروپاشی سیاسی نظام ولایی قرار دارد. در داخل ایران هم دسته‌هایی هستند که تفاسیر تندرروانه از این مقوله دارند. دسته‌ای چون کاسبان تحریم مخالف سازشند و دسته‌ای از همان تندرروها هم موافق سازشند اما بصورت مشروط. طوری که در این سازش، همه چیز ایران از جمله استقلال و قدرت و هیمنه‌اش به معامله گذاشته نشود و به موضع ضعف در مقابل آمریکا درنینجامد. آنهایی که مخالف و موافق تحریمند، هر دو جریان‌های ویژه سیاسی در نظام ولایی هستند که هیولا شده‌اند و ثروت‌های مردم را می‌بلعند. با وجود اینها اما مسلم است که سازش به هر ترتیبی با آمریکا به مثابه شکست ایران و عقب‌نشینی از مواضعش خواهد بود. مجبور خواهد شد که امتیازاتی را بدهد و از بسیاری هوس‌های سیاسی و نظامی خود دست بردارد. البته واضح است که سازش به معنای پایان مشکلات اقتصادی و سیاسی و حتی محیط‌زیستی در داخل خود ایران نخواهد بود. قطعاً اگر به مسایل و مشکلات مردم

«انتخاب گزینه تغییرات بینادین در داخل ایران در همه حوزه‌ها از جمله ملیت‌های تحت ستم است. تنها راه نظام ولایی، برآوردن خواسته‌های جامعه خود است نه سازش با غرب. این جامعه با سازش با غرب خشمش را مهار نخواهد کرد، زیرا نیازهای آن بسی فراتر از نیاز به سازشی مقطعی با غرب است. تغییر ذهنیت و فرهنگ جهت روزآمدشدن با جهان معاصر، با این ترفندها برای نظام رفع نخواهد شد»

«رفتار دمکراتیک با گُردها به معنای تغییر دمکراتیک و پیشرفت ایران و خاورمیانه خواهد بود و عکس آن، عامل تداوم بحران‌ها می‌گردد. گُردها کلید اصلی گذار ایران و خاورمیانه از بحران‌های فراگیر کنونی هستند»

فراتر از همه اینها، در حال حاضر گُردها به چیزی فراتر از این مسایل می‌اندیشند. وقتی خاورمیانه فراروی یک تغییر نظم بنیادین قرار دارد، جایگاه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی گُردها مقوله‌ای است که به کشورهای هژمونی منطقه‌ای و جهانی که عامل اصلی شکل‌گیری مسئله گُردها هستند، ربط پیدا می‌کند. موضوع این است که در جریان شکل‌گیری نظم نوین، منطقه و جهان نمی‌توانند نسبت به گُردها همانند صد سال گذشته رفتار کنند، مجبورند حق و حقوق آنها را بصورت تمام و کمال اعطا کنند اگر نه بحران‌های خود آنها هم تمامی نخواهد داشت. شاید امروز روژاوی گُردها جزو موضوعات داغ روز برای همگان است، اما در ارتباط با آینده گُردهای شرق کردستان هم مقوله موجودیت کل گُردها به ایران ربط دارد و در حوزه‌های سیاست داخلی و سیاست خارجی، توسل تهران به قوه‌قهریه و سرکوب و نسل‌کشی، تنها لاپوشانی خواهد بود که دیگر جوابگو نیست زیرا گُردها چه در ایران و چه در کشورهای ترکیه و عراق و سوریه به حدی از پیشرفت انقلابی رسیده‌اند که مهار آنها با توسل به رویه‌های قدیمی ممکن نیست. لذا رفتار دمکراتیک با گُردها به معنای تغییر دمکراتیک و پیشرفت ایران و خاورمیانه خواهد بود و عکس آن، عامل تداوم بحران‌ها می‌گردد. گُردها کلید اصلی گذار ایران و خاورمیانه از بحران‌های فراگیر کنونی هستند.

همچنین سازش با غرب به این معنا نیست که در داخل وضع مردم و جامعه ایران خوب خواهد شد، برعکس، ریشه مسایل و بحران‌های ایران، فراتر از یک مقوله اقتصادی، ذهنیتی و فرهنگی است. امروز رژیم در تعارض با ذهنیت و فرهنگ نوگرای نسل‌های نو جامعه قرارداد و راهی جز برآوردن خواسته‌های جوانان و زنان و اقشار جامعه ندارد. فراتر از اینها، قرار نیست اقدامات آمریکا طوری باشد که زمینه‌هایی بهبودی و اصلاح همه حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در داخل ایران را به دست خود فراهم کند یا به نظام ولایی کمک کند که بر آن مشکلات و بحران‌ها فایق آید. اتفاقاً، با وجود یک سازش احتمالی، بازهم برنامه آمریکا تغییر رژیم است. همیشه برنامه آمریکا برای ایران تغییر رژیم بوده ولی در حد حرف طوری دیگر وانمود کرده. فلذا یک سازش با غرب بازهم به ضرر ایران خواهد بود و نظام از تبعات مخرب آن نجات پیدا نخواهد کرد. اینبار دیگر نوشیدن جام ذهر هم به داد این نظام نخواهد رسید.

آنچه می‌ماند، انتخاب گزینه تغییرات بنیادین در داخل ایران در همه حوزه‌ها از جمله ملیت‌های تحت ستم است. تنها راه نظام ولایی، برآوردن خواسته‌های جامعه خود است نه سازش با غرب. این جامعه با سازش با غرب خشمش را مهار نخواهد کرد، زیرا نیازهای آن بسی فراتر از نیاز به سازشی مقطعی با غرب است. تغییر ذهنیت و فرهنگ جهت روزآمد شدن با جهان معاصر، با این ترفندها برای نظام رفع نخواهد شد.

این روزها خود خشن‌تر شدن نظام درزمینه موج بازداشت‌ها و اعدام‌ها اثبات می‌کند که رفتار رژیم شاید در برابر آمریکا از طریق سازش تا حدی معتدل شود، اما مشخص است در برابر جامعه داخل هیچ نشانی از تغییر دربر ندارد. همین امر مایه خشم تمامی اقشار جامعه شده است و می‌رود که با وجود هر گونه سازشی، خشم جامعه به حد انفجار برسد. وقتی مشکلات و بحران‌های ایران ساختاری است، با یک سازش در یک زمینه معین چون مسئله هسته‌ای، همه ساختار از بحران نجات پیدا نخواهد کرد و مردم از فقر خواهند رهید.

مدل دولت- ملت شیعی ایران و نقش آن در خاورمیانه



هست نپذیرفت و تلاش به خرج داد تا هژمونی متقابل را تشکیل دهد. تنش میان ایران و اسرائیل که امروزه شاهد آن هستیم، تنها میان دو دولت- ملت نیست، بلکه تنشی است که میان دو نیرو- نظام هژمونی خواه جریان دارد.

به دلیل اینکه ایران دومین نیروی است که در پی برقراری هژمونی می باشد، بایستی از نزدیک تر بر روی آن تأمل نمود. قدمت و ریشه‌ی سنت دولتی ایران به کنفدراسیون ماد (۱۰۰۰ تا ۵۵۰ ق.م) می رسد. از فرهنگی مشابه ماد- گردها برخوردار است. میترائیسم و آیین زرتشتی، دو منبع مهم این فرهنگ هستند که به صدای موجودیت آن در تاریخ مبدل گشته اند. امپراطوری [هخامنشی] پارس به منزله‌ی اولین دولت

سنت دولتی ایران، برعکس جمهوری ترکیه کشانده شدن به سمت مینیمالیسم را به آسانی نمی پذیرد. حتی شاهنشاهی دوران مدرن ایران نیز بیش از [نظام] جمهوری در برابر مینیمالیسم ایستادگی نمود. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، در برابر مینیمالیسم دولت- ملت مختص به خاورمیانه که مرزهایش ترسیم شده بود و نظام موازنه و معادلات آن، موضع مهمی اتخاذ نمود. از همان ابتدا در برابر هژمونی اسرائیل، بر هژمونی خویش پافشاری نمود. هرچند جمهوری ترکیه و دولت- ملت های عربی تن به پذیرش مشروعیت نظام «دولت- ملت» دادند که وجود اسرائیل را میسر می نمود، انقلاب اسلامی ایران، به رغم همه‌ی عدم انسجام در گفتار و کردارش، استاتوی ترسیم شده را آنچنان که

مصطفی کمال، قدرت در ازای یک ایران مینیمال، به رضا شاه سپرده شد. انگلستان هر کدام از جمهوری ترکیه، شاهنشاهی ایران و پادشاهی افغان را که در این دوران مینیمال نموده بود، به عنوان یک دولت- ملت حائل، بر سر راه رسیدن روسیه‌ی شوروی به جنوب [یعنی آب‌های گرم] طرح‌ریزی و تأسیس کرد. اینکه انگلستان حوزه‌های یادشده را به رژیم‌های مستعمراتی کلاسیکی مبدل ساخت، نه از روی ناتوانی بلکه به سبب بیم‌داشتن از اشاعه‌ی روسیه‌ی شوروی بود. سیاست «دولت حائل»، یک سیستم انگلیسی است که از اوایل سده‌ی نوزدهم تا روزگار ما عموماً با موفقیت به اجرا درآمده است. خاندان رضاشاه یک برنامه‌ی مدرنیستی تقلید از غرب را به اجرا درآورد که بر مبنای آن سنت فرهنگی ایران به کناری نهاده می‌شد. سعی شد تا به‌منزله‌ی یک رژیم اقماری انگلستان، سپس ایالات متحده‌ی آمریکا و حتی اسرائیل پابرجا نگه داشته شود. کیفیت اقماری‌بودن و دنباله‌روبودن دولت- ملت‌های خاورمیانه، به آشکارترین شکل در خاندان اخیر پهلوی به نمایش گذاشته شد. این دولت‌هایی که از طریق نیروی نظامی و پلیسی بر سر پا نگه داشته می‌شدند، با قطع پشتیبانی نیروی هژمونیک، یک‌روزه سرنگون گشتند. فرجام خاندان پهلوی نیز این‌گونه گشت.

انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ ایران، به اندازه‌ای که سیاسی است، یک انقلاب فرهنگی نیز می‌باشد. این انقلاب توانش را صرفاً از سازماندهی علمای شیعه کسب نکرد؛ بلکه بالعکس، نیروی اساسی‌اش را از فرهنگ اجتماعی خلق‌های ایران کسب نمود که دارای ریشه‌های تاریخی عمیقی بود. انقلاب در سرآغاز همانند آنچه در انقلاب‌های فرانسه، روسیه و آناتولی روی داد، از کیفیت ملی دموکراتیک برخوردار بود. بر یک هم‌پیمانی گسترده‌ی نیروهای ملی دموکراتیک اتکا داشت. هم‌پیمانی ملت دموکراتیکی که از همبستگی وسیع کمونیست‌ها، امت‌گرایان شیعی و اقلیت میهن‌دوست خلق‌های ایران

ایرانی، تماماً بر رد پای کنفدراسیون ماد تأسیس شده است. به‌نوعی مقطعی از امپراطوری است که مادها نیز در آن نقش سرآمد ایفا نموده‌اند. در گذار از بردگی اعصار اولیه به بردگی اعصار باستان (۱۰۰۰ تا ۵۰۰ ق.م) دارای نقش بنیادین است. بردگی عصر باستان یونان و روم، موجودیتش را مدیون اشاعه‌طلبی پارس- ماد است. عصر هلنیستیک (۳۰۰ ق.م تا ۳۰۰ ب.م) که با فتوحات اسکندر آغاز شد، بیانگر ایجاد سنتزی خلاقانه میان شرق- غرب است. بحران عمیق ناشی از جنگ هژمونی‌طلبانه‌ی جهانی که میان رومی‌ها- پارت‌ها همچنین میان رومی‌ها (بیزانس)- ساسانیان صدها سال ادامه داشت (حدود ۱۰۰ ق.م تا ۶۳۰ ب.م)، با صعود نیروی هژمونیک اسلام به فرجام می‌رسد. سنت دولتی ایران در طول مدت‌زمانی حدوداً هزار ساله (۱۵۰۰-۶۵۰ ب.م) که از فتوحات اسلامی تا بنیانگذاری خاندان صفوی می‌رسد، توسط خاندان‌های عرب، ترک و مغول که با فرهنگ آن بیگانه بودند، نمایندگی شد. تشیع، همزمان با خاندان صفوی به‌صورت ایدئولوژی دولت درآمد است. ایران مدرن نیز در همین دوران پایه‌ریزی می‌شود. جنگ هژمونیک که با هدف تسلط بر گوردستان با امپراطوری عثمانی وارد آن شد، با پیمان‌نامه‌ی «قصر شیرین» در سال ۱۶۳۹ به فرجام رسید. گوردستان در ورود به عصر مدرن، برای اولین بار از طریق معاهده‌ی مذکور به دو بخش تجزیه و تقسیم شد. احتمال تشکیل یک دولت مدرن در گوردستان، به‌واسطه‌ی این تجزیه دچار ضربه‌ای مهم گردید. در میان بیگ‌نشین‌های گُرد، سیاست «مشترک‌زیستن با نیروی هژمونیک، بر مبنای خودگردانی داخلی» به‌خوبی جا افتاده بود.

دولت ایران که بین چند خاندان دست به دست شد، بعد از جنگ جهانی اول همانند نمونه‌ی جمهوری ترکیه و پادشاهی افغان، در نتیجه‌ی محاسبات و نقشه‌های هژمونیک انگلستان به‌عنوان یک دولت- ملت مدرن از نو بر ساخته شد. دقیقاً همانند سازش صورت‌گرفته با

«الیگارش‌ی ایران، امروزه بر سر خاورمیانه هرچند عمدتاً در سطح گفتاری، وارد یک درگیری هژمونیک با اسرائیل گشته که ادامه دارد. به‌ویژه سعی دارد که با همین هدف، از فعالیت‌های هسته‌ای خویش به‌عنوان یک کارت دوم استفاده نماید. سنت شیعی در تاریخ نیز در پی کسب هژمونی برآمده است. در پشت سر خود یک ایران هژمونیک هزاران ساله را به‌عنوان اسلحه در اختیار دارد؛ اما در دوران مدرنیته‌ی کاپیتالیستی دربار‌ه‌ی نیروی خود اغراق می‌نماید»

نیروهای هژمونیک غربی استفاده کند و در موازنه‌ی دولت- ملت خاورمیانه به موقعیتی تأییدشده و معتبر دست یابد. به‌منزله‌ی یک مدرنیته‌ی متفاوت، از لحاظ ماهوی چالشی با مدرنیته‌ی کاپیتالیستی ندارد. همان‌طور که دولت- ملت‌های عرب و اولین و دومین مقطع جمهوری ترکیه درصددند از طریق محاسبات تاکتیکی، بیشینه سهم را در گستره‌ی نظام به‌چنگ آورند و در ازای تأییدشدن و پشتیبانی‌شدن توسط نظام، اجازه دهند که نظام از آن‌ها بهره‌مند شود، ایران نیز می‌خواهد چالش کنونی‌ای را که با نظام دارد با هدفی مشابه به‌کار بگیرد و نتایج مشابهی کسب نماید. این نوعی چانه‌زنی تیبیک تجار بازار است که در سنت ایران دارای موقعیتی قوی‌ست. چالش در ایران نیز درست از همین نقطه آغاز می‌گردد. سنت فرهنگی قوی، یک الیگارش‌ی شیعی سازش‌کرده با مدرنیته‌ی کاپیتالیستی را نیز نمی‌پذیرد. بنابراین شانس اینکه چالش موجود در ایران به یک «مبارزه در میان دو مدرنیته‌ی آلترناتیو» تحول یابد، همیشه وجود دارد. برعکس آنچه در دولت- ملت‌های ترکیه و عرب دیده شد، تصور نمی‌رود به آسانی نیز از میان برداشته شود.

الیگارش‌ی ایران، امروزه بر سر خاورمیانه هرچند عمدتاً در سطح گفتاری، وارد یک درگیری هژمونیک با اسرائیل گشته که ادامه دارد. به‌ویژه سعی دارد که با همین هدف، از فعالیت‌های هسته‌ای خویش به‌عنوان یک کارت دوم استفاده نماید. سنت شیعی در تاریخ نیز در پی کسب هژمونی برآمده است. در پشت سر خود یک ایران هژمونیک هزاران ساله را به‌عنوان اسلحه در اختیار دارد؛ اما در دوران مدرنیته‌ی کاپیتالیستی دربار‌ه‌ی نیروی خود اغراق می‌نماید. در عصری که نظام به‌طور بیشینه‌ای گلوبال شده است، اگر الیگارش‌ی شیعه‌ی ایران مدرنیته‌ای را به‌صورت ریشه‌ای ترجیح ندهد، شانس موفقیت آن بسیار ضعیف است. خود را به کشورهای گروه بریک (BRIC یعنی برزیل، روسیه،

و در رأس همه خلق گُرد سرچشمه می‌گرفت، نیروی اصلی پیروزی بود. اما طیف متشکل از علمای شیعی و تجار میانه‌احوال (بازاریان) که از سنت مدیریت تاریخی و اجتماعی قوی‌تری برخوردار بود، طی مدت‌زمانی کوتاه هژمونی خویش را برقرار کرد و سایر متفقا‌نش را بی‌رحمانه سرکوب نمود. یک پروسه‌ی هژمونیک مشابه آن، طی دهه‌ی ۱۹۲۰ در جمهوری ترکیه نیز جریان یافت. هرچند بنیان «ملت دموکراتیک» انقلاب توسط علمای شیعه دچار انحراف شد نیز، ماهیتاً با مدرنیته‌ی کاپیتالیستی در مغایرت به‌سر می‌برد. الیگارش‌ی شیعی خواست تا این اندوخته‌ی ضدکاپیتالیستی را که معنای تاریخی و فرهنگی آن بسیار عظیم است، به‌عنوان کاردی جهت مشروعیت‌بخشی به موجودیت خویش در برابر نیروهای هژمونیک نظام کاپیتالیستی به‌کار برد. هنوز هم می‌خواهد بدین‌گونه آن را به‌کار برد. تمامی تلاش الیگارش‌ی ایران این است که از بنیان آنتی‌مدرنیستی (ضدکاپیتالیستی) انقلاب به‌عنوان یک اسلحه در برابر

«فرهنگ ایران از سرآغاز تاکنون با مدرنیته‌ی کاپیتالیستی و به‌ویژه «دولت-ملت» گرایي در حال نزاع و ستیزه است. در برابر تمامی این عناصر تحمیلی مقاومت می‌نماید. خلق‌های ایران از هم‌اکنون این نکته را درك کرده‌اند که حتی شیعه‌گرایی که همانند پدیده‌ای بسیار بومی و تاریخی تحمیل می‌شود، نوعی ملی‌گرایی بوده، مشتقی از مدرنیته‌ی کاپیتالیستی تشکیل داده و انقلاب اسلامی ایران را با همین نقاب از اهدافش دور نموده است؛ به همین جهت نیز به‌پا خاسته‌اند»

مقاومت می‌نماید. خلق‌های ایران از هم‌اکنون این نکته را درك کرده‌اند که حتی شیعه‌گرایی که همانند پدیده‌ای بسیار بومی و تاریخی تحمیل می‌شود، نوعی ملی‌گرایی بوده، مشتقی از مدرنیته‌ی کاپیتالیستی تشکیل داده و انقلاب اسلامی ایران را با همین نقاب از اهدافش دور نموده است؛ به همین جهت نیز به‌پا خاسته‌اند. وقایعی که در افغانستان و پاکستان روی می‌دهند نیز متفاوت نمی‌باشند. علی‌رغم تردستی‌های حزب‌الله، القاعده و طالبان، قادر به لاپوشانی واقعیت نمی‌باشند. نباید فراموش نمود که هر سه تشکل نقاب‌دار، یعنی حزب‌الله، القاعده و طالبان نیز توسط دولت-ملت‌های نوکر تأسیس گشته‌اند و اکنون نیز این‌ها را جهت کسب سهم بیشتر از اربابان هژمونیک خویش نظیر ایالات متحده‌ی آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا، به‌عنوان تهدید به‌کار می‌برند. یعنی این ابزارهای توطئه، سوء‌قصد و

هندوستان و چین) تشبیه می‌نماید و بدین ترتیب در پی نقشه‌ی تشکیل بلوک هم‌برمی‌آید. می‌خواهد آن اتفاقی را که سعی دارد با جمهوری دوقلمون حزب عدالت و توسعه (AKP) بر مبنای PKK ستیزی برقرار نماید، به همراه سوریه گسترش بخشد. کل این محاسبات و نقشه‌ها، هیچ ارزش واقعی و جدی‌ای دربر ندارند. همانند سایر دولت-ملت‌های منطقه، پیش روی دولت-ملت ایران نیز چاره‌یابی و حل مسائل دارای دو محور است. چاره‌یابی حول محور اول عبارت است از سازش‌کردن با نظام به شیوه‌ای همانند رژیم شاهنشاهی. در اصل، الیگارش‌ی شیعه برای این امر آماده است؛ اما نظام [هژمونیک جهانی] آن را به شکل موجود قبول ندارد. ولی دیدارهایی که در راستای سازش صورت می‌گیرند، نهایتاً چه از راه صلح‌آمیز و چه از راه جنگ، به نفع نیروهای هژمونیک کاپیتالیستی به فرجام خواهند رسید. دومین محور این است که وقتی موضوع حل مسائل پیش کشیده شود، گسست رادیکال از نظام مطرح خواهد گشت. این نیز رهیافت مدرنیته‌ی دموکراتیکی است که هنگام فاقد چاره ماندن و ناتوان‌گشتن هم الیگارش‌ی شیعی و هم نیروهای هژمونیک غربی (به‌ویژه اسرائیل)، به‌طور ناگزیر وارد عرصه خواهد شد.

موقعیت ایران و سایر دولت-ملت‌ها معضله‌دارتر است. دولت-ملت‌های افغانستان و پاکستان هم که در بحران بسیار وحشت‌انگیزی به‌سر می‌برند. جنگ‌های صد ساله‌ی اخیر دولت-ملت، بلایی شاید سنگین‌تر از بمب اتم را بر سر این خلق‌ها و فرهنگ‌ها آورده‌اند. خلق‌های مورد بحث گرفتار چنان ویرانی‌ها، سوء‌قصد‌ها و توطئه‌هایی گردیدند که شاید هم در هیچ يك از اعصار تاریخ‌شان آن را به‌خود ندیده‌اند. ایران هر لحظه ممکن است با بلای اتمی نیز روبه‌رو گردد. فرهنگ ایران از سرآغاز تاکنون با مدرنیته‌ی کاپیتالیستی و به‌ویژه «دولت-ملت» گرایي در حال نزاع و ستیزه است. در برابر تمامی این عناصر تحمیلی

«در ایران يك سنت زندگی کمونال با پیشینه‌ی بسیار کهن تاریخی وجود دارد. بنابراین ممکن است در آینده‌ی نزدیک ایران شاهد یک جنگ واقعی برای تشکیل مدرنیته‌ی مختص به خویش باشیم. در اصل، انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ نیز نوعی جنگ برای تشکیل مدرنیته‌ی مختص به خویش بود، اما به انحراف کشیده شد»

قتل‌عامی را که مشترکا بر ساخته‌اند، جهت تنبیه و تربیت همدیگر و کسب سهم هرچه بیشتر، در مقابل یکدیگر به کار می‌برند! با ابزارهایی مواجه هستیم که شاید هم جهت کریه‌ترین و چندش‌آورترین بازی‌های طول تاریخ اختراع گشته‌اند. از طریق این ابزارهای بازی توطئه‌آمیز، انگار که دارند الك دولاك بازی می‌کنند، خلق‌ها و فرهنگ‌هایشان را می‌کشند. آشکار است که با این ابزارها نه نظام می‌تواند جایگاه بیشتری در خاورمیانه بیابد و نه دولت-ملت‌های مزدورشان می‌توانند نجات یابند.

به‌ویژه ایران با استفاده از سنت دولتی بسیار قدیمی‌اش، تصور می‌کند که به اصطلاح از پس مدرنیته‌ی کاپیتالیستی برخوردار آمد و به عبارت صحیح‌تر با ایجاد چنین ایماژ یا تصویری، از طرف نظام پذیرفته خواهد شد. کاربست اینچنینی تاریخ، شاید هم خیره‌سارانه‌ترین شکل زوال‌یافتگی باشد. تصور نجات‌دادن «دولت-ملت»‌گرایی از طریق این‌همه مخلوط‌سازی مدرنیته با سنت تاریخی و مخلوط‌سازی سنت با مدرنیته، تنها با «حَقّه‌بازی‌های ایرانی» قابل توضیح است. به همین دلایل است که خاورمیانه‌ی آینده‌ی نزدیک شاید هم از طریق ایران شکل‌بندی گردد. ایران به‌راستی نیز در

حکم مرکز اصلی گفتگوها و مباحثی است که درباره‌ی مدرنیته صورت می‌گیرند. هرچند ملی‌گرایی شیعه سعی در تحریف مباحث ایدئولوژیک و سیاسی مربوط به مدرنیته دارد، اما گفتگوها و مباحث مذکور رشد و گسترش پیدا کرده و ادامه خواهند یافت. خلق‌های ایران به نسبت سایر خلق‌ها شناخت بیشتری از مدرنیته‌ی کاپیتالیستی دارند و در گردن نهادن بدان مصمم دیده می‌شوند. ملی‌گرایی کنونی شیعه هرچقدر هم اسرائیلیستیزی، آمریکاستیزی و غرب‌ستیزی متقلبانانه صورت دهد، اما قادر نخواهد بود به‌صورت درازمدت در مقابل خلق‌های ایران که مدرنیته‌ی متناسب با خویش را می‌جویند، مانع‌سازی نماید؛ حتی اگر دست به سازش با ایالات متحده‌ی آمریکا و اسرائیل بزند، قادر نخواهد بود در برابر این جستجوگری خلق‌ها، موضع نقاب‌دار خویش را تداوم بخشد. مقوله‌ی حقیقت‌جویی، در فرهنگ ایران نیرومند است. همچنین در ایران يك سنت زندگی کمونال با پیشینه‌ی بسیار کهن تاریخی وجود دارد. بنابراین ممکن است در آینده‌ی نزدیک ایران شاهد یک جنگ واقعی برای تشکیل مدرنیته‌ی مختص به خویش باشیم. در اصل، انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ نیز نوعی جنگ برای تشکیل مدرنیته‌ی مختص به خویش بود، اما به انحراف کشیده شد. خلق‌های ایران از طریق درس‌هایی که از این انقلاب و تاریخ‌شان گرفته‌اند، در آینده‌ی نزدیک از طریق جنگ‌هایی برای تشکیل مدرنیته‌ی مختص به خویش که برای تمامی خلق‌های خاورمیانه به‌شکل به‌من‌آسا مسیری نوین خواهد گشود، می‌توانند راهگشای پیشرفتی شایسته‌ی تاریخ خویش و تاریخ خاورمیانه گردند. به همین سبب مباحث مدرنیته‌ی دموکراتیک و آزمون‌های عملی آن، دارای اهمیت فراوانی هستند و راهنمای مسیرند.

تحولات سوریه و درسهایی که باید آموخت



مظلوم هفت تن

آمد حزب الله ناتوان شده و فعلاً توان ادامه مبارزه مؤثر ندارد. در نتیجه سعی خواهند کرد با گذشت زمان دست ایران را از لبنان کوتاه کرده و به گونه‌ای که لبنان جدید در راستای تأمین امنیت اسرائیل قرار گیرد آنرا شکل بدهند.

این جنگ به غزه و لبنان محدود نشده و نخواهد شد به گونه‌ایکه این روزها سوریه را نیز درنوردیده و در کوتاه زمانی باعث سرنگونی رژیم بعث شد. در نتیجه این تحولات وضعیتی جدید روی داده که آینده‌اش قابل پیش بینی نیست. بی‌تردید عمده مردم سوریه از سرنگونی بشار اسد و نحوه حاکم‌داریش خوشحالند اما نسبت به آینده سوریه و چگونگی شکل‌گیری نظام جدید مضطربند و نگران. این نگرانی مردم از وضعیت موجود و آینده سوریه امریست طبیعی و برحق. چرا که میدانند همیشه رفتن دیو به معنای درآمدن فرشته نخواهد بود. آنانکه اکنون بر مسند قدرت نشسته‌اند پیشینه‌ای رادیکال و اربابی دارند، مردم خاطرات چندان خوشی از آنها ندارند.

هرچند سوریه سالهاست که درگیر حوادث است اما وقایع اخیر با چنان سرعتی رخ دادند که کمتر کسی پیش بینی می‌کرد و یا انتظارش را داشت. شاید اغراق نباشد اگر بگوئیم حتی برنامه‌ریزان تغییر و تحول نیز از این سرعت در حیرتند!

بعد از حمله هفت اکتبر حماس به اسرائیل جنگ جهانی سوم وارد فاز جدیدی شده است که گام به گام شدیدتر، گسترده‌تر و تأثیرگذارتر می‌شود. سیر ادامه جنگ و شدت و گستردگی آن نشان میدهد که هدف این جنگ فراتر از حماس، غزه، حزب الله، لبنان، سوریه و بطور کلی جبهه مقاومت به سرکردگی ایران است. وضعیتی که درغزه وجود دارد خودگویای حقیقتیست که نیاز به توضیح افزونتری ندارد. هدف از این جنگ درغزه تنها شکست دادن حماس نیست بلکه غیرقابل زیست گردانیدن غزه برای ساکنین آن است. وضعیت در لبنان نیز بهتر از غزه نبوده و نخواهد بود. با ضربات کشنده‌ای که در زمانی کوتاه بر حزب الله لبنان خصوصاً مدیریت استراتژیکش وارد

«سرنوشت ترکیه در آینده چگونه خواهد بود و سیر حوادث به کجا ختم خواهند شد مبحث دیگریست اما موضوع مورد نظر ما این است که آیا ایران به چه میزانی این مسئله را درک نموده، خطر را حس کرده و چگونه با آن برخورد خواهد نمود؟»

هرچند این روزها بنابر دلایلی تغییر کرده‌اند و یا تغییرشان داده‌اند اما چقدر این تغییرات بنیادین‌اند و ماندگار معلوم نیست، این گذر ایام است که حقیقت را آشکار خواهد کرد.

بعد از حمله هفت اکتبر حماس به اسرائیل بعضی از مسئولین اسرائیلی گفتند یازده سپتامبر دیگری روی داده است که نقشه منطقه را تغییر خواهد داد! بیان این موضوع به این شکل نیازمند اندیشیدن است. تنها موضعی رسانه‌یی و تحلیل صرف حادثه‌ای نیست، بلکه بیانگر و نشان دهنده برنامه‌ریزی و آمادگی لازم جهت تحولاتی استراتژیک و تعیین‌کننده در رابطه با نظم نوین منطقه‌ای و جهانی‌ست که باید آنرا به درستی سنجید و با درایت و جدیت با آن برخورد کرد. در رابطه با حمله هفت اکتبر از ابتدا تا الان همه نگاه‌ها متوجه ایران بوده و سیر پیشروی تحولات نیز ایران را مورد هدف قرار داده‌اند. هرچند رژیم ایران به انحاء مختلف و به تکرار ابراز داشته که با شروع این حمله ارتباطی نداشته و ندارد اما کسی گوشش بدهکار نبوده و نخواهد بود، چراکه در واقع اهمیت مسائل، میزان و چگونگی تغییر و تحولات منطقه‌ای فراتر از آن است که توضیحات ارائه شده توسط ایران بتواند در آن تأثیرگذار باشد.

چنین به نظر می‌رسد که تحولات سوریه بعد از مدتی به عراق نیز سرایت خواهد کرد. چه زمانی و چگونه، معلوم نیست. این روزها و خصوصاً بعد از رخدادهای اخیر سوریه مسئولین عراقی به تکاپو افتاده‌اند و می‌خواهند با تدابیری چند از وقوع این

مسئله جلوگیری کنند. اما ندانم کاریها، بی‌تدبیرها و غفلتهای آنها در گذشته چنان صدماتی ببار آورده‌اند که جبرانشان در کوتاه مدت آسان نخواهد بود. بعضی از مسئولین عراقی از جمله نخست وزیر، وزیر امور خارجه، مسئولین امنیتی و حشد شعبی، بهمراه بارزانی‌ها و مساعدت ایرانی‌ها در راستای فشار بر جنبش آپوئی و بدست آوردن منافعی کوتاه مدت، زمین نفوذ ترکیه در عراق و اشغال مناطقی از آنرا رسماً فراهم نموده‌اند. بدون تردید مسئولین عراقی و ایرانی‌ها امروزه و بخصوص بعد از وقایع سوریه دریافته‌اند که مرتکب چه اشتباهاتی استراتژیک و حیاتی شده‌اند. با پای خودشان و با طناب پوسیده اردوغان و بارزانی‌ها به چاهی افتاده‌اند که در آمدن از آن به این راحتی‌ها نخواهد بود.

ممکن است نحوه مداخله در عراق مانند سوریه نباشد اما بدون تردید اردوغان در عراق همان کاری را خواهد کرد که در سوریه کرد. همانگونه که در سوریه با حضور در نشستهای آستانه و سوچی، روسیه و ایران را فریب داد و به پشتیبانی ناتو در ادلب و حومه آن شرایط مساعدی را برای گسترش فعالیت و پشتیبانی و تقویت هیأت تحریر شام و دیگر مخالفین اسد فراهم نمود و در نهایت آن کرد که بر همگان عیان است، در عراق نیز چنان خواهد کرد.

تحولات منطقه طبق پیمان ابراهیم یا همان پیمان قرن بر مبنای محوریت و حاکمیت اسرائیل و عربستان سعودی در خاورمیانه جدید صورت می‌گیرد. تالان آماده کاریها و سیررویدادها اینگونه است. براساس پیمان ابراهیم وضعیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک منطقه در راستای حاکمیت اسرائیل و عربستان سعودی متحول خواهد شد. برای دستیابی به این نتیجه اصلی‌ترین مناطقی که جایگاه، موقعیت و نقش استراتژیک آنها لازم است تغییر کند ایران و ترکیه هستند. چراکه بدون تغییر و تحول استراتژیک ایران و ترکیه در منطقه یا تغییر و تحولی ایجاد نخواهد شد و یا تغییر و تحولات ایجاد شده استقرار و ثبات نخواهند داشت. فلذا نهایت این تغییر و تحولات منطقه‌ای دگرگونی ایران و ترکیه خواهد بود.

ترکیه عضو ناتوست و اولین کشوری‌ست در منطقه که اسرائیل را به رسمیت شناخته است و با آن ارتباطات

«ترکیه به عنوان رقیب تاریخی و منطقه‌ای ایران که روز به روز رقابتش به ضدیت تبدیل می‌شود و چهار چشمی در کمین تحولات ایران نشسته است تا ضربه کشنده را وارد کند، خودش را برای مواجهه با تحولات آینده آماده میکند»

مناطق تحت حاکمیت با وضعیت بسیار دشواری روبرو خواهد شد. انجام سخن اینکه روز به روز فشارهای بیشتری بر نظام وارد خواهد شد.

چیزی که تا الان مشخص است مسئولین حکومتی سعی دارند با ایجاد پیمانهای امنیتی، نظامی، اقتصادی با کشورهای خارجی خصوصاً چین و روسیه و سیاست چانه‌زنی با بعضی از کشورهای غربی از میزان فشارها بکاهند و با پرهیز از درگیری مستقیم و ادامه‌دار با اسرائیل بتوانند با بدست آوردن زمان توان از دست رفته را باز یابند و یا اینکه فرصت چاره‌یابی مناسب و کم هزینه تری را بدست بیاورند. در راستای سیاستهای داخلی با تغییر اجباری دولت یعنی مرگ مشکوک ابراهیم رئیسی و سر کار آمدن مسعود پزشکیان تغییر چندانی دیده نمی‌شود و حتی در مواردی وضعیت بدتر هم شده است. خصوصاً دستگیری معترضین، افزایش میزان اعدامها، فشار حداکثری بر علیه زنان، گرانی و تورم روزافزون، عدم ثبات بازار، افزایش میزان خط فقر و فقر مطلق و امثالهم. مشکل اصلی اینجاست که حاکمیت مخاطبان اصلی را که مردم‌اند جدی نگرفته و چاره‌یابی را در ارتباطات و همپیمانی‌های خارجی می‌بیند. واقعیاتی که چند سال پیش در نتیجه بهار خنقها (بهار عربی) و اخیراً در سوریه روی دادند به وضوح و بشکلی آموزنده اشتباه بودن این گونه برخورد و موضعگیریها را اثبات نموده‌اند. آزموده را آزمودن خطاست. به جرأت می‌توان گفت تکرار این خطا و پافشاری بر آن طبقات جبران‌ناپذیری در پی خواهد داشت. افزایش فشارهای داخلی و مبنای قراردادن اراده

نظامی، امنیتی، اقتصادی گسترده دارد. ترکیه الان نیز در راستای اجرای سیاستهای کلان آمریکا، اسرائیل و ناتو عمل میکند. اما این واقعیات و خوش خدمتی‌ها ترکیه را از مضمخه نجات نخواهند داد. چرا که ترکیه‌ی موجود در راستای تأمین منافع استراتژیک سیستم مدرنیته سرمایه‌داری جهانی که نظم نوین بر مبنای آن شکل خواهد گرفت مانع ساز و مشکل آفرین است. لذا تغییر و تحول ترکیه در راستای نظم نوین امریست غیرقابل گذار. ترکیه تا حدودی این مسئله را درک کرده و احساس خطر میکند از اینرو دست به دامن رهبر آپو شده است تا به خیال خودش بتواند با هزینه کمتری این مرحله را پشت سر بگذارد. اینکه سرنوشت ترکیه در آینده چگونه خواهد بود و سیر حوادث به کجا ختم خواهند شد مبحث دیگریست اما موضوع مورد نظر ما این است که آیا ایران به چه میزانی این مسئله را درک نموده، خطر را حس کرده و چگونه با آن برخورد خواهد نمود؟

ضرر مند اصلی جنگ غزه، لبنان و تحولات سوریه ایران است. ایران خوب میداند که تحولات سوریه تنها ناشی از فشارها و مداخلات خارجی نیست بلکه قسمت اصلی مسئله ناشی از مشکلات داخلی‌ست و میداند که اگر سیاست کلان و مدیریت داخلی رژیم اسد در راستای تأمین منافع مردم و احترام به خواسته‌های برحق سوریها می‌بود شاید علیرغم فشارهای خارجی حداکثری نتیجه تحولات چنان نمی‌شد که الان شاهد آن هستیم. این مسائل را از آن جهت بیان نمودم که وضعیت ایران نیز چنین است یعنی در نتیجه سیاستهای کلان نظام مشکلات داخلی روزافزون و فشارهای خارجی حداکثری وجود دارد.

سیر حوادث پیشروی گام به گام تحولات را به سمت ایران نشان می‌دهد. رویدادهای غزه، لبنان، سوریه و احتمالاً عراق نشان دهنده روند معکوس نفوذ منطقه‌ای ایران و در واقع شکست استراتژی تاریخی نظام است. رژیم براساس سیاستهای مداخله‌جویانه و نفوذ منطقه‌ای در راستای صدور انقلاب و ایجاد هژمونی توانسته است تا حدودی از طریق فراقلمی، جهت‌دهی و سرکوب بر مشکلات و نارضایتی‌های داخلی فایق گردد. اما با وقوع تحولات جدید و شکست نیروهای نیابتی، از دست رفتن متحدین و



منطقه‌ای ایران را نابود خواهد کرد و در راستای تحولات منطقه‌ای با پیشبرد ملی‌گرایی و نژادپرستی ترکها با کمک جمهوری آذربایجان خوابها برای ایران دیده است.

ماحصل کلام:

منطقه در آتش جنگ می‌سوزد و با آمدن ترامپ احتمالات مختلفی را باید مدنظر گرفت. برای چاره‌یابی این جنگ و خونریزی راه حل صحیح و حتی تنها راه حل گشایش سیاسی و چاره‌یابی دموکراتیک مسائل است که بر مبنای احترام به اراده مردم، خواسته‌های برحق آنها و مشارکت فعالشان در امور جامع میسر می‌گیرد. اما در حال حاضر راهکارهای اجرایی، برخورد های امنیتی و سرکوبگر کاملاً در تضاد با این موضوع بوده، مشکل ساز و مخرب هستند. محاسبه درست زمان، اولویت‌بندی و اهمیت دهی مسائل و انجام اقدامات بایسته و ضروری در راستای گشایش سیاسی و چاره‌یابی دموکراتیک مسائل نقشی حیاتی دارند.

مردم انتحار حاکمیت است. آنچه مسلم است این است که وضعیت موجود نیازمند تحول است، هم شرایط داخلی و هم شرایط خارجی منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای این تحول را ناگزیر می‌گرداند. ترکیه به عنوان رقیب تاریخی و منطقه‌ای ایران که روز به روز رقابتش به ضدیت تبدیل می‌شود و چهار چشمی در کمین تحولات ایران نشسته است تا ضربه کشنده را وارد کند، خودش را برای مواجهه با تحولات آینده آماده میکند. خواسته یا ناخواسته در راستای حل مسئله کوردها که ریشه تمامی مسائل دیگر است، دست به اقداماتی زده است که اگر بدرستی با آن برخورد کند معادلات منطقه‌ای را تغییر خواهد داد. به نظرم شرایط این اقدامات در ایران و جامعه ایرانی فراهم‌تر است و زمینه مساعدتری وجود دارد. رژیم ایران از رخدادهای مکرر و ضربات پیاپی که از بعضی دولتهای منطقه خصوصاً ترکیه خورده است درس عبرت نمی‌گیرد و هنوز که هنوز است بجای ارتباط درست با خلقها و احترام به اراده آنها در تلاش است با به روزگردانیدن پیمانهای ظالمانه سعدآباد، بغداد، الجزایر و غیره خلقهای منطقه و خصوصاً کوردها را قتلعام کند. ترکیه با همکاری بعضی از کشورهای منطقه و در راستای سیاستهای کلی ناتو هژمونی

آزادی با معنا و حقیقت ممکن خواهد بود



سنور گلاویز ✍️

بیان می‌نماید: «حقیقت هرچقدر با انسان و جامعه در ارتباط باشد، به همان اندازه نیز به تاریخ نزدیک است». اما بایستی قبل از هر چیز تعریفی از معنای راستین زن زندگی و آزادی نمود. با نگاهی به تاریخ درکی واقعی بر این مبنا پیدا خواهیم نمود. اما متأسفانه وقایع تاریخ از سوی سلطه‌گران واژگون گشته و حقایق به جا مانده نیز متدی در راستای مستحکم نمودن زیربنای پایه‌های ذهنیت مردسالار می‌باشد. ذهنیت اقتدارگرا دارای خصوصیات اینگونه بوده که هیچ اثری از بردگی زن به جا نگذاشته است. صیانت از هویت و موجودیت خویش از طرف زنان در مقابل هرگونه شدت و خشونت دیگر به واقعیتی مبدل گشته که تا به حال نیز ادامه دارد. موقعیتی که در دنیای امروزین زنان در آن بسر می‌برند؛ خود جوابی برای این سؤال بوده که: چرا زنان در طول تاریخ تا به امروز و در هر مرحله مورد هدف ذهنیت اقتدارگرا و مردسالار قرار گرفته‌اند؟

زن، در زبان فارسی و تعبیر لغت، به معنای زاییدنی نوین (یا اینکه آویی که از خود دنیایی نوین به بار می‌آورد)؛ ژن، در کوردی به همان معناست یعنی حیاتی نوین، در زبان انگلیسی wemen یعنی از خود دادن و در تمامی زبان کشورها و مناطق مختلف در همین معنا می‌باشد. یا به عبارتی دیگر از خویشتن حیاتی نوین را آفریدن است. این معناها تنها تعریفی بر زیبایی این کلمه «زن بودن» نبوده، بلکه واقعیتی تاریخی و فرهنگی را بیان می‌نماید. بلکه می‌توان گفت در تمامی لغت‌های دنیا «زن» یکی از کلمات و لغاتی می‌باشد که از هر لحاظ معنا و حقیقت خویشتن را تا این حد ظرافت‌مندانه و با تمام جزئیات در ذات خویش پنهان نموده است. از همان آغازی که زن معنای چگونه زیستن را کشف نمود در مقابل هرگونه ظلم و وحشت نه تنها تسلیم ننموده همواره دست از مبارزه و مقاومت برنداشته است. رهبر آپو با تحلیلی از تاریخ اینگونه

روبر می‌شوند. هر بار با پایه‌ریزی و بنیادین نمودن قوانینی که هیچ علاقه‌ای با حق جامعه را ندارد؛ در مقابل مردم قرار می‌گیرد و دم از برابری و عدالت می‌زند. از یاد نبریم که رژیم ایران همان رژیمی است که در طی این سال‌های اخیر بسیاری از دختران و پسرانی که تنها گناه‌شان خواستار آزادی می‌باشد به چوبه دار اعدام کشیده است. زینب جلالیان، پخش‌ان عزیز، و ریشه مرادی و بسیاری از دختران و پسرانی دیگر که چشم به راه اعدام هستند، نمونه‌هایی بارز از این واقعیات دلخراش می‌باشد. این در حالیست که بزرگترین پتانسیل جامعه ایران از زنان تشکیل می‌گردد. در ایران هم زن بودن و هم اینکه هرگونه استعدادی را دارا بودن، بزرگترین گناه و جرم محسوب می‌شود. یعنی دوبرابر بیشتر با سرکوبی و خشونت روبرو ماندن است. اما علیرغم تمامی این فشار و سرکوب‌گریها

موضوع بحث ما از این واقعیات، تاریخ و هویتی از دست رفته می‌باشد که زنان برای کسب آن در هر مرحله از تاریخ از جان خویش بازگشته‌اند و در این راه نیز هرگونه فداکاری نموده‌اند. هنگامی که می‌خواهیم تعریفی از متدی که مدنظر ما می‌باشد نماییم، با چه ظرافتی و چگونه ایفا نماییم؟ جامعه و فرد هنگامی که از حقیقت خویش دور گشته به تمامی معنای جوهری خود را از دست داده، بی‌هویت مانده و همانند حقیقتی سوپژکتیو به حیات ادامه داده است. در چنین موقعیتی به هیچ‌وجه نمی‌توان بحث از حقیقت نمود. «آزادی با معنا و حقیقت ممکن خواهد بود». معنای علم در طبیعت جامعه همان الهه- مادر می‌باشد. الهه- مادری که نیروی معنا و حقیقت را به جامعه بخشید. اما امروزه به بی‌ارزش‌ترین موجود مبدل گشته است. در دنیایی که فرد (در اینجا موضوع بحث ما زن می‌باشد) معنای تاریخی و هویتی خویش را از دست داده است آیا می‌توان از کدام حیات بحث نمود؟ حیاتی که در آن آزادی، دموکراسی، برابری، عدالت و ... نباشد را نمی‌توان حیات نامید. حیات بایستی بر مبنای اجتماعی تعریف شود یعنی فردی که در ساختار جامعه قادر به ایفای نقش می‌باشد؛ جامعه نیز به همان اندازه حق فرد را پایمال نماید و در پیشرفت فرد نقش خود را ایفا نماید.

رژیم ایران نیز یکی از این دولت و ذهنیت‌ها بوده که حق فرد، خاصاً زن، جامعه را در راستای منفعت‌های خود بکار می‌گیرد. پارادوکس جامعه سوسیال تا حدی معین بوده که فرد- جامعه و جامعه- فرد را به پیشرفت سوق داده است. اما رژیم ایران، جامعه و فردی که از حق یکدیگر نه تنها برخوردار نبوده بلکه در راستای رسیدن به حقیقت و آزادی؛ حقیقت اجتماعی و معنای حیاتی آزاد را از میان برداشته است. همانگونه که شاهد هستیم در ایران هنرمندان، دانشمندان، فیلسوفان، عالمان و ... به نحوی مورد سرکوب قرار گرفته و با شدت و خشونت

« بایستی تأکید نمود که زنان در تاریخ ایران از جایگاهی والا و ارزشمند برخوردار می‌باشند. در بسیاری از عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، ایدئولوژیک، هنری و ... مشارکتی فعال داشته‌اند. از دوران هخامنشیان گرفته که در مقام‌های دولتی و لشکری جای گرفته تا مرحله دین زرتشت، زنان دارای جایگاهی خاصی بوده و احترام و ارزش‌گذاری زنان همانند فرهنگی معین تا به امروز هر چقدر هم کم‌رنگ شده باشد اما ادامه دارد»

روز به این دلیل بوده که الگوی زنی که مطیع مرد باشد، بانوی خانه خود بوده تا که به قول ذهنیت مردسالار به خانه و بچه‌هایش سروسامانی بدهد؛ شروع گشته است. اینجاست که زن به تمامی عاید خویشتن بودن را از دست داده و بایستی در راستای ذهنیتی که او را به ملکیت درآورده سوق حیاتی بدور از واقعیت داده می‌شود. با نزدیک شدن به روز زن در ایران هرکس در تلاش است که به نحوی با چند هدیه؛ که تنها ارزشی مادی را داراست احساسات خود را در مقابل مادر، همسر، خواهر، مادربزرگ و... بیان نماید. اما هنوز هم زن کتک می‌خورد، به ازدواج کودکی مجبور می‌کنند، مورد تجاوز قرار می‌گیرد، اعدام می‌شود، فروخته می‌شود و بسیاری خشونت و سرکوبگریهای بی‌امثال دیگر. در مقابل این همه وحشت گفته می‌شود: «بهشت زیر پای مادران است»؛ اما چرا نه «زن» زیر پای مادران است؟ این تعریف تماماً نمادی از ذهنیت جنسیت‌گرا بوده که «زن بودن» را بی‌ارزش القا داده یا اینکه بایستی ازدواج کرده و مادر شود تا که ارزش یابد (بازهم نقابی دروغین بعد از ازدواج باز هم بی‌ارزشتر می‌گردد) نشان می‌دهد. در اینجا تنها ایده‌های جذاب و کاربردی برای هدیه موضوع بحث است، نه تاریخ و هویتی گم‌گشته که فدای این ذهنیت شده است.

چرا ۸ مارس روز زن نامیده شد؟

انتخاب روز ۸ مارس به‌عنوان روز زن بدلیل مبارزه‌ی زنان کارگر کارخانه نساجی کتان در سال ۱۸۵۷ میلادی در شهر نیویورک آمریکا می‌باشد. شرایط کاری سخت و غیرانسانی، همراه با دستمزد کم کارگران زن در کشورهای صنعتی؛ زنان را به مبارزه علیه این بی‌عدالتی، تبعیض جنسیتی، محرومیت و فشارکار به شیوه‌ای سازمان‌یافته سوق داد. این زنان ابتدا اعتصاب غذا نمودند؛ صاحب کارخانه و نگهبانان این کارخانه زنان کارگر را در کارخانه محبوس ساختند.

وخشونت؛ زنان ایران و شرق کوردستان خواهان حیاتی آزاد و آزادی می‌باشد. مقاومت مادران و صیانت از خط شهیدان، مبارزه زنان در زندان‌ها و تمامی عرصه‌های کار و فعالیت نمونه‌ایی از اصرار آنان برای کسب آزادی و حیاتی آزاد می‌باشد. اگر زنان به این حقیقت تاریخی پی نبرده باشند چرا با همبستگی روحی و اتحادی مشترک در هر سال و در روز ۸ مارس به خیابان‌ها می‌ریزند و شعار زن زندگی آزادی را همانند زمزمه‌ی انقلاب زن در این راه می‌سرایند. رهبر آپو در رابطه با مقاومت و مبارزه زنان این چنین بیان می‌نماید: «این مقاومت؛ ظهور حیاتی آزاد می‌باشد» و در ادامه رهبر آپو می‌افزاید: «حقیقت عشق است و عشق حیاتی آزاد است».

اینجاست که اشاره‌ای به روز زن در ایران نماییم:

روز زن در ایران مصادف با ولادت فاطمه زهرا و طبق تقویم شمسی ۱۴۰۳، روز یکشنبه ۲ دی می‌باشد. قبل از هرچیز بایستی تأکید نمود که زنان در تاریخ ایران از جایگاهی والا و ارزشمند برخوردار می‌باشند. در بسیاری از عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، ایدئولوژیک، هنری و ... مشارکتی فعال داشته‌اند. از دوران هخامنشیان گرفته که در مقام‌های دولتی و لشکری جای گرفته تا مرحله دین زرتشت، زنان دارای جایگاهی خاصی بوده و احترام و ارزش‌گذاری زنان همانند فرهنگی معین تا به امروز هر چقدر هم کم‌رنگ شده باشد اما ادامه دارد. پیش از انقلاب اسلامی در دوران معاصر گروه‌ها و انجمن و تشکلات زن با مراسم و گردهمایی روز زن یعنی ۸ مارس را جشن گرفته‌اند.

اما متأسفانه این آیین و فرهنگ‌ها متغییر و بسیاری نیز ممنوع و از میان برداشته شده است. تمامی تغییرات در این فرهنگ‌های سنتی و به‌خصوص جشن روز زن بعد از ولادت فاطمه زهرا بوده که از آن پس این روز را به عنوان روز زن در ایران نام‌گذاری کرده‌اند. در واقع اهمیت این



ژن
ژیان
تازادی

JIN
JIYAN
AZADI

رهبر آپو از همان آغاز انقلاب خویش اهمیت خاصی به مشارکت فعال زنان در حزب داده است. در این باره نیز فعالیت‌های مختلفی از قبیل: کتاب‌ها، تحلیلات، ماتریال، رهنمودهای گوناگون و... انجام داده‌اند. از همان ابتدا سعی بر این داشته که روز ۸ مارس بایستی متدی ایدئولوژیک، سیاسی و اجتماعی به خود بگیرد. در طول این سال‌های دراز تا به امروز سعی بر این داشته نه تنها روز ۸ مارس بلکه تمامی عرصه‌های اجتماعی مملو از هویت زنان گردد. رهبر آپو ۸ مارس را به هویت تاریخی زنان که آکنده از مبارزه، مقاومت و ایستاری راسخ در راه رسیدن به آزادی و حیاتی آزادی مبدل گرداند. ما زنان در انجام ایدئولوژی رهای زن و با مبنا قرار دادن پنج مبدأ بنیادین دیگر قادر به مبارزه در مقابل ذهنیت جنسیت‌گرا، دین‌گرا، ملک‌گرا، برده‌گرا و بسیاری نمونه‌های دیگر هستیم. دیگر روز جهانی زن به موضعی ایدئولوژیک، مکانیزم سازماندهی زنان، نیرویی دفاعی مبدل گشته که هیچ ذهنیتی سرکوبگر و مستمعره قادر به از بین بردن آن نخواهد بود. انقلاب روژآوا (رهبر آپو به‌عنوان انقلاب زن نام‌گذاری نمود)، انقلاب زن زندگی آزادی، مشارکت زنان در تمامی عرصه‌های مبارزه و ... نشانی از

۱۲۹ زن کارگر را در آتش سوزاندند. در طی این حادثه اسفبار در بسیاری از کشورها زنان تظاهرات نمودند البته این تظاهرات رفته رفته گسترش یافت. از جمله مدافع حقوق زنان و رهبر جنبش بین‌المللی زنان کلارا زتکین بعد از مبارزه و تلاش‌هایی بی‌همتا توانست سعی نماید که ۲۷ آگوست سال ۱۹۱۰ میلادی در کپنهاگ، پایتخت دانمارک روز هشتم مارس به‌عنوان روز زن و روز همبستگی بخاطر دفاع از حقوق زنان و مبارزه در مقابل تبعیض‌های گوناگون و خشونت علیه زنان برگزیده شود.

در واقع روز ۸ مارس همان روزی است که تمامی زنان جهان با مبنا قرار دادن یاد و خاطره جان باختن ۱۲۹ تن برهنه که برای حق خود از جان خویش گذشتند؛ تا به امروز نیز خواهان دنیا و حیاتی معنادار و آزاد باشند. در ادامه این روز در هر سال و در تمام کشورهای جهان تا به امروز نیز زنان با مشارکت در سازمان مدافع زنان، چالش‌ها، کنگره‌ها، تشکلات مختلف، سازمان و احزاب سوسیالیستی و ... خواهان هویت، تاریخ و دستاوردهای خویش هستند. به این دلیل رژیم ایران تولد فاطمه زهرا را به عنوان آلت‌ناتیو در مقابل روز ۸ مارس به‌عنوان روز زن انتخاب نموده است.

« رهبر آپو از همان آغاز انقلاب خویش اهمیت خاصی به مشارکت فعال زنان در حزب داده است. در این باره نیز فعالیت‌های مختلفی از قبیل: کتاب‌ها، تحلیلات، ماتریال، رهنمودهای گوناگون و... انجام داده‌اند. از همان ابتدا سعی بر این داشته که روز ۸ مارس بایستی متدی ایدئولوژیک، سیاسی و اجتماعی به خود بگیرد. در طول این سال‌های دراز تا به امروز سعی بر این داشته نه تنها روز ۸ مارس بلکه تمامی عرصه‌های اجتماعی مملو از هویت زنان گردد»

همه مهمتر ذهنیت اقتدارگرا و مردسالار را قانونی و مشروع جلوه دهد. مادام که این همه حق و حقوق زنان پایمال می‌گردد به چه مناسبتی روز زن در ایران؟ تنها برای اینکه در یک روز هم شده گفته شود روزت مبارک! کدام روز؟ روزی که زن مطیع مرد گشته و محبوس خانه‌ی پدری؛ شوهری و... گشته است. اینجاست که زن ملک هرکس می‌گردد؛ اما هیچگاه عاید خویش نمی‌گردد. زنان در ایران و شرق کوردستان این نقاب‌های دروغین رژیم را برملا ساخته به همین دلیل است که رژیم ایران تا این حد از نیروی زنان خوف به دل راه دارد.

ما زنان به هیچ وجه بردگی؛ کشتن، اعدام، حقارت و ... حق نکرده و نخواهیم کرد. تاریخ؛ خود اثباتی واقعی بوده که ما زنان با اتحاد و همبستگی نیروی سازماندهی خویش در تمامی عرصه‌ها نه تنها خود را آزاد خواهیم کرد؛ بلکه قادر به آزادی تمامی جامعه نیز خواهیم بود. زنان ایران و شرق کوردستان با انقلاب زن زندگی آزادی این حقیقت را بر اذهان تمام جهان آشکار ساختند. اگر امروزه زینب جلالیان، پخشان عزیز، و ریشه مرادی و بسیاری زندانیان دیگر با مقاومت و ایستار خویش از تمامی این دستاوردها صیانت می‌نمایند. ما نیز به مناسبت و با معنایی که رهبر آپو به روز زن نهاده است بار دیگر از هویت خویش و تمامی زنانی که چشم به راه آزادی هستند صیانت نماییم. روز زن آن روزیست که زنان به هویت خویش دست یابند. و در این راه نیز البته مبارزه و مقاومتی بی‌همتا حقیقتی پابرجا می‌باشد. همانگونه که مقاومت ۱۲۹ زن به همبستگی و اتحادی مشترک مبدل گشت، ما نیز با به اوج رساندن آن به پیروزی انقلاب زن دست یابیم.

هویتی ایدئولوژیک می‌باشد که از طرف رهبر آپو ساختار و نهادینه گشته است.

افغانستان، ایران، عراق، ترکیه و بسیاری کشور و دولت_ ملت‌های هژمون‌گرا از جمله دولت‌هایی هستند که به هر نحوی شده می‌خواهند که معنای حقیقی روز زن را طبق امیال و ذهنیت جنسیت‌گرای خود تفسیر و تعریف نمایند. لذا از مشارکت، مقاومت، مبارزه و ایستار زنان در تمامی عرصه‌ها خودداری می‌کنند. تا حدی که هویت و نقش زنان را واژگون تعریف می‌کنند. گردابی مانند: زنان باید سر به زیر باشند، مطیع قانون مردان باشند، زن مجرد نادان و ناتمام و زن متأهل نیز دانا؛ و بسیاری نمونه‌های دیگر هستند که تنها تعریفی ساده از منظر مرد نمی‌باشد. به تمامی کوچک برشمردن زن بوده و او را وادار به اینکه با میل ذاتی خود زن او را به بردگی براند. از

وضعیت جامعه و زنان در بی‌نهایت‌هایی از اجبار و ممنوعیت



سرهلدان چیا



در ۱۷ دی‌ماه ۱۳۱۴ تصویب گشت، زنان و دختران را از بکارگیری چادر و روبند در ملا عام منع نمودند. تصویب چنین قوانینی در راستای ظاهر سازی‌هایی بود که حکومت وقت سعی داشت چهره‌ای مدرن از ایرانی را نشان دهد که در آن دوران هنوز کشاورزی و دامداری مردم با ابزارهای قرون وسطایی صورت می‌گرفت و جامعه در شرایط کاملاً سنتی بسر می‌برد. زمین‌های کشاورزی به صورت اقطاعی و بر اساس ارباب رعیتی اداره می‌شدند و مردم برای لقمه نانی به صورت طاقت‌فرسایی کار می‌کردند. در حالی که کلان‌شهرهایی مانند تهران و مشهد و اصفهان و تبریز سیمایی مدرن به خود گرفته بودند، در حاشیه‌ی همین شهرها و در روستاهای رباط کریم و در چند کیلومتری تهران، زندگی به شیوه‌ای دیگر طی می‌شد.

در این دوران در بسیاری از شهرها و روستاها مخالفت‌هایی با قانون کشف حجاب شروع شدند، همین مساله هم بعدها زمینه‌ای شد برای

با پایان جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۸ و فروپاشی امپراتوری‌های منطقه، دوره‌ی جدیدی از زمامداری در خاورمیانه آغاز شد. هرچند انقلاب‌های مشروطه‌خواهی در درون ممالک عثمانی و قاجار شروع شده بود و پادشاهی‌ها را به لرزه در آورده بود. امید می‌رفت در فصل آینده زمامداری جمهوری‌های دموکراتیک که مبتنی بر پارلمان و قانون منتخب مردمی باشد، در صدارت مدیریت کشور جای بگیرند. اما برخلاف آنچه پیش‌بینی می‌شد تنها دیکتاتورها عوض شدند و در بر همان پاشنه‌ی قبلی، بسا بدتر چرخید. این وضعیت هم برای ترکیه و هم برای ایران فصلی مشابه بود. مدرنیته‌ای تزریقی و وام گرفته از غرب که تنها ظاهر را مبنای تجدد قرار دادند و به قول جلال آل احمد، ایران و ترکیه در فضای غرب زدگی لولیدند و تا به امروز هم نتوانسته‌اند خود را از چنین وضعیتی برهانند.

زمانی که قانون کشف حجاب توسط رضا خان

داده شد. با تعطیلی این نهادها زنان به سوی «شهر نو» سوق داده شدند. دقیقا همان نقشی که سیستم سرمایه‌داری بعنوان یک کالای لوکس جنسی بدان‌ها داده است. بغایت بایستی گفت زنان ایران که در سرزمین الاهی‌ها رشد و نمود یافته‌اند، از چنین نقش حاشیه‌ای راضی نبودند و حاضر نشدند تبدیل به کالایی جنسی شوند. همین هم باعث گردید انقلاب زنان به صورت زیرزمینی تداوم یابد. همین امر سبب شد در انقلاب مردمی ۱۳۵۷ زنان شرکت فعالی داشته باشند و همراه با مردان در راهپیمایی‌ها مشارکت کنند.

انقلاب ۱۳۵۷ که به معنای کلمه انقلاب خلق‌های تحت ستم ایران عللاًالخصوص زنان بود، در روزهای پایانی رسیدن به هدف همانند انقلاب مشروطه بار دیگر در دام تله‌ی سیستم جهانی افتاد. همان‌طور که در انقلاب مشروطه، روسیه تزاری با به توپ بستن مجلس و حمایت از احمدشاه و کشورهایی چون انگلیس و فرانسه با بالا کشیدن رجال دینی و لیبرال‌های مجلس منجر به تخطی از اهداف اولیه مشروطه و تن دادن به مشروطه مشروع‌ه بود که توسط شیخ فضل‌الله نوری طرح‌ریزی شده بود، همین بنیادی شد برای شروع حاکمیت روحانیون در راس قدرت. اگرچه با پایان سلسله قاجار و در دوران دولت مدرن نتوانستند مستقیماً وارد حاکمیت شوند، اما همواره در تماسی مستقیم با نهاد دولت و دربار بوده‌اند. به گونه‌ای که در بسیاری از تصمیمات حساس بین شاه و روحانیون تفاهم آرا

سازماندهی‌های نهاد دینی و روحانیون. بدین وسیله آنها مشروعیتی دینی و مردمی جهت مقابله با رژیم شاه بدست آوردند. اگر چه انقلاب مشروطه به مانند انقلابی مترقی، زنان را به میدان آورده بود و حضور فعال آن‌ها موجب پایان دادن به سلسله قاجار گشت و زنانی همانند بی‌بی مریم در راس آن قرار گرفتند، همچنین انجمن حریت نسوان یا انجمن آزادی زنان در سال ۱۲۸۶ توسط مجموعه‌ای از زنان روشنفکر تاسیس گردید که نقش موثری در انقلاب مشروطه بازی کردند. قانون کشف حجاب اگر چه با ظاهر عوام‌فریبانه آزادی زنان را از چارچوب سنت نشان می‌داد، اما در بطن خود اعلان جنگی بود علیه زنان آزادیخواه که می‌خواستند با میراثی که از انقلاب مشروطه با خود داشتند، شالوده‌های آزادی واقعی زنان را پی‌ریزی نمایند. هرچند امروزه بسیاری از روشنفکران درباری سعی دارند به دفاع از این قانون بپردازند، اما شواهد تاریخی گویای چیزی دیگر است که خلاف آن را به ما نشان می‌دهد. لیل ابراهیمیان راجع به تعطیلی جمعیت نسوان وطن‌خواه توسط رضا شاه می‌گوید: «رضا شاه شروع به بستن و توقیف نشریات و انجمن‌های مستقل کرد. جمعیت نسوان وطن‌خواه پیش چشم نیروهای نظمی با تحریک و جلب عده‌ای از متعصبان سنگ‌باران شد و نشریات آن هم به آتش کشیده شد.» بعد از این واقعه جمعیت تصمیم گرفت انجمن را تعطیل نماید. وی در ادامه می‌گوید: «بعد از تعطیلی جمعیت نسوان وطن‌خواه رضا شاه تصمیم به دولتی نمودن نهادهای مستقل و مردمی نمود.» با نگاه به این وضعیت به راحتی می‌توان گفت بر خلاف آنچه ادعا می‌شود، قانون کشف حجاب در واقع اقدامی بود جهت پایان دادن به نهادها و سازمان‌های مستقل و مردمی زنان. در چنین وضعیتی و با دولتی نمودن این نهادهای سعی شده سیستمی توتالیتر پایه‌ریزی شود که بعداً هم مسیر سوق داده شد.

زنان اصلی‌ترین بخش انقلاب مشروطه بودند که با روی کار آمدن رضا شاه و بعد تاسیس رژیم شاهنشاهی با بزرگترین خسران مواجه شدند. آن‌ها اگر در دوران مشروطه جهت آزادی به میدان آمده بودند و نقش کلیدی را بازی می‌کردند، در دوران شاهنشاهی از بطن خارج گشته و نقشی حاشیه‌ای و بزه‌ک شده‌ای بدان‌ها

«مقوله‌ی کشف حجاب در دوره‌ی پهلوی و حجاب اجباری که زیر لفافه‌ی قانون عفاف و حجاب پنهان شده است، دو روی یک سکه می‌باشند. در هر دو رژیم بدون توجه به خواسته‌های مردم و نظرخواهی از زنان سعی شده آن‌ها را تبدیل به ابزاری در راستای خواسته‌های خود نمایند»

وجود داشت. بگونه‌ای که آخوندهایی چون بروجردی تا زمانی که زنده بود، حامی دربار بود و به سلطنت شاهنشاهی مشروعیت داد. حتی روایت می‌شود که رضا شاه به تقلید از آتاتورک سعی داشت جمهوری را بنیاد نهد اما آخوندها از ترس وضعیت لائیکیتی که آتاتورک در ترکیه ایجاد نموده بود، با جمهوری مخالفت نمودند و ضمن ایجاد بلوایی تحت عنوان مخالفت با جمهوری، وی را به ایجاد رژیم شاهنشاهی تشویق نمودند. این هماهنگی ادامه داشت تا دوران محمد

رضاشاه که آیت‌الله کاشانی با همکاری و هماهنگی آمریکا زمینه‌ی کودتا علیه دولت ملی مصدق را ایجاد کردند و موجب سقوط دولتی شدند که برای اولین بار علیه استعمار خارجی و به نفع مردم قانون ملی کردن نفت را تصویب نمود.

طنز تاریخ زمانی خود را نشان می‌دهد که این دو جناح فکری که همراه با هم و در تفاهم علیه خواسته‌های مردم ایران قدم برداشته‌اند، اینک در تقابل با هم قرار گرفته و بار دیگر سعی دارند بر روی امواج ناراضی‌های خلق‌های ایران علل‌الخصوص زنان خود را بالا بکشند. مقوله‌ی کشف حجاب در دوره‌ی پهلوی و حجاب اجباری که زیر لفافه‌ی قانون عفاف و حجاب پنهان شده است، دو روی یک سکه می‌باشند. در هر دو رژیم بدون توجه به خواسته‌های مردم و نظرخواهی از زنان سعی شده آن‌ها را تبدیل به ابزاری در راستای خواسته‌های خود نمایند. رژیم پهلوی برای نمایش جلوه‌ای مدرن و غربی از خود، از یک طرف با ممنوعیت نهادهای مستقل زنان و تشویق زنان به برداشت حجاب در مراکز دولتی و ملا عام اراده‌ی زنان آزاد را هدف قرار داده و می‌خواست زنانی مبتنی بر خواسته‌های خود ایجاد نماید. در مقابل این سیاست جمهوری اسلامیست که با نام اسلام و پاسداری از کانون خانواده و عفاف اجتماعی زنان را در زیر چادر پنهان نموده و با تعریف زن بعنوان وسیله‌ای جهت آرامش مرد و دستگاه فرزندآوری سعی دارد با ناامن جلوه دادن محیط بیرون، زنان را به کنج آشپزخانه بکشد. هر دو از یک شیوه استفاده می‌کنند، رژیم پهلوی با گماشتن امنیه‌هایی در سطح خیابان، به اجبار چادر را از سر زنان پایین می‌کشید و بدین شیوه آزادی انتخاب پوشش فردی را پایمال می‌کرد. همچنین با

دادن ابلاغیه‌هایی مبنی بر عدم حضور زنان با چادر و چارقد در اماکن دولتی، عملاً زنان را از حضور در جامعه منع می‌نمود. بدین صورت بسیاری از زنان که به دلیل محیط خانوادگی امکان برداشت حجاب را نداشتند از حضور در مدارس منع گشته و مجبور به ترک تحصیل شدند. همچنین طبق قانون کشف حجاب، ابلاغیه‌هایی به اماکن عمومی و حمام‌های زنانه فرستاده شده بود با این مضمون که اجازه ورود زنان چادری و محجبه را نمی‌داد.

زمانی که وضعیت امروز زنان ایران را در سایه جمهوری اسلامی و قانون حجاب اجباری با دوران پهلوی مقایسه می‌نمایم، در نفس قانون هیچ تغییری صورت نگرفته و منطق همان منطق قبلی است، آنچه از آن بعنوان تفاوت بیان می‌گردد، تغییری ماهویست که این بار چادر را اجباری می‌کند. هر دو با منطق ممنوعیت و اجبار سعی دارند مافوق بودن خود را بر مردم تحمیل نمایند. در واقع این منطق دیکتاتورهاست که خود را لاهوتی و برخوردار از فر ایزدی تعریف می‌نمایند تا بدین صورت ابدیت و ازلیت را در خود خلاصه نمایند. بدین صورت دقیقاً دو هفته از پیروزی انقلاب خمینی دستور به لغو قانون حمایت از خانواده و اجباری کردن حجاب اسلامی داد و اولین هشت مارس بعد از پیروزی انقلاب ممنوع اعلام شود، که همین روز تبدیل به تقابل زنان با انقلابی شد که تازه پیروز گشته بود. از همه مهمتر عدم همراهی مردانی بود که خود را سکولار و مدرن و چپ معرفی می‌کردند با این بهانه که انقلاب را حفظ کنند و در صفوف مبارزه علیه استکبار خللی وارد نشود. دقیقاً همان طیفی که امروز بار دیگر به بهانه‌ی واهی تجزیه نشدن خاک ایران تمامی مبانی آزادی و دموکراتیک انقلاب زن زندگی آزادی را زیر پا گذاشته‌اند.

امروز جمهوری اسلامی با برداشت خود از دین همانند همان برداشتی که پهلوی از تجدد و مدرنیته داشت، سعی دارد برخلاف خواسته‌های جمعی عمل نماید. گشت ارشاد و پلیس اخلاق همان نقشی را بازی می‌کنند که امنیه‌های سطح شهر با چماق، چادر از سر زنان بر می‌داشتند. این‌ها هم با باطوم چادر بر سر زنان می‌کنند، در شخص زن سعی دارند کل جامعه را تسخیر نمایند. کشتن زنان با ضربات باطوم و

**«وضعیتی که زنانی چون پخشان
عزیزی و وریشه مرادی بعنوان
پیشگامان انقلاب نوین در زندان‌ها
محکوم به اعدام می‌شود و نیز مردان
و زنانی که به جرم مشارکت در انقلاب
زن زندگی آزادی تحت شکنجه‌های
فیزیکی و روانی قرار دارند، همین
نیروهای ضد انقلاب در بیرون و داخل
از نوع تمامیتخواه دینی و سکولار
آن با ایجاد دعواهای حاشیه‌ای مانع
انسجام اجتماعی شده‌اند»**

حاضر جامعه‌ی ایران در درون خود توانسته اجتماعی در حول انقلاب زن زندگی آزادی ایجاد نماید و کماکان مسیر خود را طی می‌کند. مهم است این همزادپنداری بین افشار مختلف اجتماعی؛ زنان و مردان، اتیک‌ها و باورداشت‌های متفاوت در پهنای جغرافیای ایران بیشتر شود، با برداشتن دیدگاه مرکز-پیرامون که سال‌هاست مانع دیدن حقیقت اجتماعی گشته و تمامی برداشت‌های ما از هم، از این پنجره صورت گرفته و موجب کم شدن اعتماد اجتماعی شده است. وضعیتی که سلطه‌ی دولتی به آسانی توانسته جامعه را در استیصال خود قرار دهد. در وضعیتی که زنانی چون پخشان عزیزی و وریشه مرادی بعنوان پیشگامان انقلاب نوین در زندان‌ها محکوم به اعدام می‌شود و نیز مردان و زنانی که به جرم مشارکت در انقلاب زن زندگی آزادی تحت شکنجه‌های فیزیکی و روانی قرار دارند، همین نیروهای ضد انقلاب در بیرون و داخل از نوع تمامیتخواه دینی و سکولار آن با ایجاد دعواهای حاشیه‌ای سعی مانع انسجام اجتماعی شده‌اند و فضای عمومی و مجازی را مسموم می‌نمایند. در چنین حالتی تنها راه سیر به سوی انقلاب زن زندگی آزادی گذار از این دو طیف فکری می‌باشد و نیز مبارزه با فاشیسم در تمامی اشکال آن است.

کویدنشان به لبه‌های جدول خیابان، آشکارا تعرض به آزادی بیان تحت عنوان دین اسلام می‌باشد.

از طرف دیگر سعی دارند با تصویب قانون حجاب اجباری جامعه را به وضعیت دو قطبی و جنگ و درگیری اجتماعی بکشانند. زمانی که رانندگان تاکسی و مغازه‌داران که تنها جهت کسب روزی خانواده‌شان از دادن سرویس به مشتریان زنی که حجاب اجباری را رعایت نمی‌کنند منع می‌شوند و مشمول جریمه‌ی نقدی می‌گردند. در واقع زدن بر کوس طبل جنگی روانیست که کم کم جامعه را به جان همدیگر می‌اندازد، این همان وضعیت خطرناکیست که سبب می‌شود اختیار اعمال قدرتی بی‌قانون را به دست افرادی بدهد که خود دچار بیماری‌های روانی و عقده‌هایی هستند که همین سیستم اجباری اما و اگرها عامل اصلی آن هستند.

انقلاب زن زندگی آزادی نشان داد جامعه نسبت به خواسته‌های خود واقف است و می‌داند به دنبال چه چیزی است. مشکل اساسی عدم درکی است که بسیاری از مدافعان آزادی تحت تاثیر این دو قطبی مدرنیته و سنت بدون داشتن انتقاد از آنچه گذشته است با تکیه بر یکی از این قطب‌ها بار دیگر در وضعیت جنگی به سر می‌برد. این در حالیست که در یک قرن گذشته جامعه‌ی ایران بدون دست یافتن به وضعیتی مطلوب و بدون مشخص نمودن افقی روشن از خواسته‌های خود، به صورت نا متعارف کنش‌هایی از خود نشان می‌دهد و زدن‌باده‌ها و مرگ بادهایی را نصار دیگری‌ها می‌کند، آن‌هایی که در دایره‌ی خودی‌ها نمی‌گنجند. نخبه‌های روشنفکری در هر دو طیف، تحت تاثیر فوبیای تجزیه، تبدیل به فاشیسم‌های ملی‌گرا می‌شوند. بگونه‌ای که مبانی دموکراتیک بودن را در میان ایت‌م‌های ملی‌گرایی که بر پایه‌ی توهمات بی‌اساس طی یک قرن گذشته برای خود تعریف نموده‌اند به آسانی زیر پا می‌نهند، چنین شخصیتی در واقع با نوعی اختلال روانی مواجه است که خود را در عظمت گذشته‌ای نداشته گم کرده و به قول ایرانی‌ها: «حالش را می‌برد». شخصیتی افیون گشته که توان درک واقعیت‌های پیش رو را ندارد. ضرورت پایان دادن به این بن‌بست، گذار از این شخصیت دو پهلو می‌باشد، همچنین دیدن واقعیت‌های جامعه و عصری که در آن زندگی می‌کنیم. در حال



برای پخشان عزیزی

«دیشب دوباره خواب همان دختری دیدم در «اوین» که ماه را به بوسه می‌میراند و آفتاب را به خنده می‌تاباند نه آن زن اثیری بی‌رنگ!

خواب تو را دیدم که سال‌ها در روزآوا تابوت زنان و بچه‌های شهر، گرفته به دوش، می‌رفتی و می‌گفتی: راه بهشت از کجاست؟ چند تپه اسکلت هنوز در راه است؟! وقتی که پلک گشودم، دوباره آمدی در چشم و می‌گفتی: ما، با حکم سربه‌داری، راه می‌رویم، حرف می‌زنیم، شعر می‌خوانیم و می‌نویسیم، این راز را کسی داند دست بریده‌اش، به خنده بنویسد:

ای عشق ...

صدایت را شنیدم که اینچنین گفتی؛ خونِ جگر نثار دار و خاک می‌کنیم، تا جای درخت اعدام، لاله بروید تا در قیام لاله‌ها دیگر زنی لباس اعدام نپوشد و چشم‌های آهوانه با یک اشاره، گرگ‌های صحرا را آرام و رام کنند!»



برای وریشه مورادی

«تو ای ز نسلِ چشمه‌ها و رودها، ای جوانا!
با نوای آواز صلح خود شعری از جلال برای عشق... شعری
برای زندگی خواندی شبانه بر فراز تپه‌های دور اوین!
باشد که باز بشکفند در رگانِ خسته و کبودِ ذهنِ مردمانِ شهر
لاله‌های سرخ نور...!»
دل‌تنگیم؛
برق چشمانت را
ما، آسمان این شهرهای خواب‌آلوده
و کوه‌هایی که استواری را وام‌دار استقامت تو اند.
بایست!
بایست هه‌قال که به احترامات ایستاده‌ایم»

خویندنه وهیه کی میژووی

بو دۆخی هه نوو که ی سوریا و رۆژه لاتی ناوه پراست



دهیانویست دهست به سهر ئهم ریگایه دا بگرن و له لایه کیشه وه ئه لمانیه کان. سهودا و مامه له کرا و له ئه نجامدا ئه لمانیا و دهوله تی عوسمانی له سهر ئهم ریگایه ریککه وتن و دهسه لاتی عه بدولحه مید پاشا ئهم ریگا بازرگانییه ی دا به ئه لمانیا. به لام به ریتانیا و فه ره نسا بو تیکدانی ئهم ریککه وتن ی تیان ئه لمانیا و ئیمپراتوری عوسمانی ده ستیان کرد به شهر له دژی عوسمانیه کان. چه سخا کهانی ئهم شه ره شیان له ئه فریقا و له که ندا وه وه هه لگی رساند و به م شیوه یه ش پرۆزه ی ریپه وی "به رلین - به غدا - به سره" پووچه لکرایه وه. ئه گهر ئه و کاته ئهم پرۆزه یه ئاسته نگ نه کرابا ئه وا ئه لمانیا له به رلینه وه هه تا که ندا و ریگای بازرگانی کۆنترۆل ئه کرد. به وشیه یه ش ئه لمانیا له سهر ریگای بازرگانی نیوان هیندستان - ئاسیا - ئه وروپا کاریگه ری ده بوو. به لام ئینگلیزه کان هیندستانیان داگیرکردبوو و ده سته سه ره داگرته

پیویست دهکات ئه و پیشکه وتنانه ی که له م دوایانه روو ده ده ن تییگه یین و شیکاری باش و گونجاوی بو بکه یین. به تابه تی له دوا ی شه ری جیهانی یه که مه وه سیسته می سه رمایه داری بوو به خاوه ن هه ژمو نیکی گلوبال و له سهر ئهم بنه مایه ش له رۆژه لاتی ناویندا چه ندین ده ولت - نه ته وه ی دروست کرد. ئامانج له دروست کردنی ئهم ده ولت - نه ته وانه هه لوه شانده وه ی ئیمپراتۆریه تی عوسمانی بوو. له و سه رده مه دا پیکهاته ی ده ولت نه ته وه له به رزه وه ندی سیسته می مۆدیرنیته ی سه رمایه داریدا بوو. ئامانجی سه ره کی دروست کردنی ئهم ده ولت - نه ته وانه ش کردنه وه ی ریپه وی بازرگانی هندستان - ئه وروپا بوو. ئه و سه رده مه پرۆزه ی ریگای هیلی ئاسینی "به رلین - به سره - به غدا" پلانی بو داریژرابوو. مشت و مریکی زور له سهر ئهم ریگایه هه بوو. له لایه که وه ئینگلیزه کان

«ئەمريکا ترسى له دوو ھېز ھەبوو
 كە بۆشايىھە كە پر بکەنەوہ. لەوكتاھدا
 لەلای رۆژھەلاتى عىراقەوہ ئىران و
 لەلای باکووريشەوہ پەكەكە ھەبوو.
 ئەگەر دەسەلاتى سەدام حسين له
 بەغداى پايتەخت لەوكتاھدا رووخىنزابا
 ئەوا ئەو ھەردوو ھېزەش كاريگەريان
 لەسەر ئىراق زياتر دەبوو، چونكە
 ئەمريکا لاواز بوو»

سەرچاوەی ماددە خواوەکانی ھیندستان و ئاسیا
 لەلایەن ئەوروپایەکانەوہ ھەدەفیکى ستراتىژییە.
 ئەم مشتومرە لەرۆژگاری ئەمرۆشماندا بەردەوام
 ئەکات.

تایبەتمەندی قۆرخکاری و جیھانگیری سەرمايەى
 نێونەتەوہیى ناکۆکە. لەم واتایەدا شەرى سێيەمی
 جیھانى ھىرشىكى سەرمايەدارى قۆرخکارە بۆ
 گۆرینی قەوارەى دەوڵەت - نەتەوہ. ئامانجەكەى
 دا بەشکردنى قەوارەپارێزى دەوڵەت - نەتەوہیە لە
 خۆرھەلاتى ناوہراست بە شىوہیەك كە رىگای وزە
 و بازرگانى لە نىوان ھىندستان ئەورویا (IMEC)
 پارێزراو بێت. لەسەر ئەم بنەمايە لە نەوہدەكانەوہ
 تا ئەمڕۆ، ئەوہ سى و پىنج سالھ شەپە.

ھەندىك كەس ئەم شەپە وەكو سەرھتای شەرى
 جیھانى سێيەم پىناسە دەكەن، بەلام رېبەر ئاپۆ
 جیا لەوان پىچەوانەوہكەى دەلێت. رېبەر ئاپۆ ئەم
 قوناخە دەچوینتە دوا قوناخەكانى شەرى جیھانى
 یەكەم. زياتر لە كۆتایىھەكانى شەرى جیھانى یەكەم
 لە سالى ۱۹۱۸ دەچیت. ئەمە گرنگە و واتادارە. بەم
 رەنگە لە دۆخى شەپەكە لەم قوناغەى ئىستادا
 باشتەر تىدەگەين.

كۆنترۆلكردنى كەنداو ھەتا ئىسرائىل

ئەمريکا لە شەرى كەنداودا بۆ ئەوہى وڵاتى
 سعودیە بۆ خۆى بكاتە ناوہندىك لە خۆرھەلاتى
 ناوہراستدا ۱۵۰ھزار سەربازى بۆ ناوچەكە گواستەوہ.
 لەمەدا ئامانجى ئەوہبوو رېپەرەوى كەنداو ھەتا
 ئىسرائىل كۆنترۆل بكات. لەلایەكەوہ لە كەسايەتى
 دەسەلاتى سەدام حسيندا لە ئاستى ھەرە ژورودا
 ھىرشى كردە سەر قەوارەپارێزى دەوڵەت - نەتەوہ،
 لەلایەكى تریشەوہ لە رووى سەربازىيەوہ كەنداوى
 خستەژىر كۆنترۆلى خۆیەوہ. بەمشىوہیە كەنداویان
 بۆ رېپەرەوى وزە ئامادە كرد. لە سالى ۱۹۹۱ دا
 لە بەغداد دەوریان لە سەدام حسين گرت.
 لەبەرئەوہى لەوكتاھدا ھىشتا بالادەستى ئەمريکا
 لە ناوچەكە لاواز بوو، وانا ھىشتا پىگەى خۆى لە
 رۆژھەلاتى ناوہراستدا پتەو نەكردبوو، ترسى ئەوہ
 لاى ئەمريکا ھەبوو كە ئەگەر شتىكى لەو بابەتە
 بكات و دەسەلاتى سەددام بە تەواوہتى بروخىت،

**پىكدادانى نىوان دەوڵەت - نەتەوہ و سەرمايەى
 نێونەتەوہى**

ئەم پەرەسەندنانەى دوایى لە سوریا دەرفەتى
 ئەوہیان رەخساندوہ كە لە باروودۆخەكە باشتەر
 تىبگەين. لە دوای رووخانى یەكیتى سۆفیەت
 ئەمريکا ویستی لە ژىر ناوى NEW WORLD
 ORDER سیستەمى جیھانى سەرلەنوئى رىكبختەوہ
 و لەم پىناوہدا دەستى بە شەپە كرد. ئىمە ئەم
 شەپە وەك پىكدادانى نىوان سیستەمى قۆرخکاری
 سەرمايەى نێونەتەوہیى و سیستەمى قەوارەپارێزى
 دەوڵەت - نەتەوہ پىناسە دەكەين. قەوارەى دەوڵەت
 - نەتەوہ و سنوورە داخواوەكانى لەبەردەم جوولەى
 سەرمايەدا ئاستەنگى دروست دەكەن. ئەمەش
 دەبیتە ھۆى كەمبونەوہى مژۆكدارى و مېتىنگەرى.
 ئەو سیستەمەى دەوڵەت - نەتەوہ كە مۆدېرنیتەى
 سەرمايەدارى بۆ خۆى لە ئەنجامى شەرى جیھانى
 یەكەم خولقاندبووى، لەم سەردەمەدا لەگەل

سودمه‌ند بن. بۆ ئەم مەبەستەش، دوژمنایەتی زیاتری لە نیوان ئێران و ولاتانی کەنداودا دروست کرد ولاتانی کەنداوی لە بەرامبەر ئێران رێکخست و لە بەرامبەر پەکه‌کش گەله‌کۆمەیه‌کی نێونه‌ته‌وه‌یی له‌سه‌ر رێبه‌ر ئاپۆ جێبه‌جێ کرد. کاتی‌ک که له‌لاوازبوونی ئەم هەر دوو هێزه‌ دلنیا بووه‌وه، ئەوا له‌ ساڵی ۲۰۰۱ دا له‌ دوای هێرشه‌که‌ی سه‌ر هه‌ردوو باله‌خانه‌که، ئەمریکا سه‌ره‌تا ئەفغانستان و دواتریش ئێراقی داگیرکرد و سه‌دام حسینی پاکتاو کرد.

مه‌ترسی ئەوه‌ی پەکه‌که‌ بێته‌ هێزێکی کاریگه‌ر له‌ ناوچه‌که‌دا

له‌ ساڵی ۱۹۹۱ دا ئەمریکا ترسی ئەوه‌ی هه‌بوو که ئەگه‌ر به‌غدا بروخپت ئەوا پەکه‌که‌ له‌ ئێراقدا ده‌بێته‌ هێزێکی کاریگه‌ر. کێشه‌ی کورد یان ئەو مملاتییه‌ی که له‌ سه‌ر کوردستان هه‌یه‌ په‌یوه‌ندییه‌کی به‌مشپۆه‌یه‌ی به‌ شه‌ری سیه‌ه‌می جیهانییه‌وه‌ هه‌یه. هه‌لبه‌ت کێشه‌ی کورد بۆ خۆی به‌ره‌مه‌می شه‌ری جیهانی یه‌که‌م و ده‌رهاو‌پشته‌کانیه‌تی. ده‌توانین هه‌مان شت بۆ شه‌ری سیه‌ه‌می جیهانی‌ش ب‌بین. ئەم شه‌ری ئیستا به‌رده‌وامی شه‌ری جیهانی یه‌که‌مه. واته‌ شه‌ری جیهانی سیه‌ه‌میش په‌یوه‌ندی به‌ کێشه‌ی کورد و بزووتنه‌وه‌ ئازادبخواری کوردستانه‌وه‌ هه‌یه. پێویست ده‌کات زیاتر تیشک بخه‌ینه‌ سه‌ر ئەم بابه‌ته. له‌ کاتی‌کدا که ئەمریکا له‌ پاش شه‌ری کەنداو هێشتا سه‌رقالی رووخاندنی سه‌دام حسین بوو، له‌ لایه‌که‌وه‌ ده‌سه‌لاتی باشوری کوردستانی دروست کرد و له‌ لایه‌کی دیکه‌شه‌وه‌ هێزی ئۆپه‌راسیۆنی چه‌کۆشی هێنایه‌ باشوری کوردستان. ئامانج و بریاری سه‌ره‌کی ئەم ده‌سه‌لاته‌ و ئەم هێزه‌ی که ناوی "ئۆپه‌راسیۆنی چه‌کۆش" یان لێی نابوو ئەوه‌ بوو که پەکه‌که‌ له‌ باشور پاکتاو بکری‌ت. بۆ ئەم مەبەستەش له‌ ۹ ئۆکتۆبه‌ری ساڵی ۱۹۹۸ دا به‌ گه‌له‌کۆمەیه‌کی نێونه‌ته‌وه‌یی هێرش کرایه‌ سه‌ر رێبه‌ر ئاپۆ له‌ سووریا و له‌ ئەنجامدا رێبه‌ر ئاپۆ وه‌ک

پێده‌چپت بۆشاییه‌ک بێته‌ ئاراوه‌ و هێزی دیکه‌ لێی سوودمه‌ند بن. ئەمریکا ترسی له‌ دوو هێز هه‌بوو که بۆشاییه‌که‌ پ‌ر بکه‌نه‌وه. له‌وکاته‌دا له‌لای رۆژه‌لاتی عێراقه‌وه‌ ئێران و له‌لای باکووریشه‌وه‌ په‌که‌که‌ هه‌بوو. ئەگه‌ر ده‌سه‌لاتی سه‌دام حسین له‌ به‌غدا یه‌ته‌خت له‌وکاته‌دا رووخێزبا ئەوا ئەو دوو هێزه‌ش کاریگه‌ریان له‌سه‌ر ئێراق زیاتر ده‌بوو، چوونکه‌ ئەمریکا لاواز بوو و ئەو هێزه‌ لۆکالیانه‌ی په‌یوه‌ست به‌ ئەمریکاش هێشتا له‌ ئێراق نه‌بوون. واته، هێزی لۆکالی ئێراقی گرێدراوی ئەمریکا هێشتا له‌ مه‌یدان نه‌بوون. هه‌ر بۆیه‌ ئەمریکا له‌ شه‌ری یه‌که‌می کەنداو دا ته‌نیا پشتی به‌ هاو‌په‌یمانیتیه‌ گشتیه‌کانی له‌ رۆژه‌لاتی ناوه‌ر‌است و جیهان و هه‌روه‌ها ئەو هێزه‌ سه‌ربازی و ته‌کنه‌لۆژیایه‌ به‌ست که له‌ سه‌عودیه‌ هه‌یبوو. به‌لام ۱۲ ساڵی خایاند تا ئەمریکا بتوانیت پێگه‌ی خۆی قایم بکات، خۆی باش به‌ رێکخستنی بکات و کاریگه‌ری خۆی به‌سپینیت و رێگری له‌ هێزانه‌ش بکات که ره‌نگ بوو له‌ بۆشایی رووخانی ده‌سه‌لاتی سه‌دام حسیندا

«ئەمریکا له‌ پاش شه‌ری کەنداو هێشتا سه‌رقالی رووخاندنی سه‌دام حسین بوو، له‌ لایه‌که‌وه‌ ده‌سه‌لاتی باشوری کوردستانی دروست کرد و له‌ لایه‌کی دیکه‌شه‌وه‌ هێزی ئۆپه‌راسیۆنی چه‌کۆشی هێنایه‌ باشوری کوردستان. ئامانج و بریاری سه‌ره‌کی ئەم ده‌سه‌لاته‌ و ئەم هێزه‌ی که ناوی "ئۆپه‌راسیۆنی چه‌کۆش" یان لێی نابوو ئەوه‌ بوو که پەکه‌که‌ له‌ باشور پاکتاو بکری‌ت»

بارتمه یه کی تاییهت له ۱۵ شوباتی ۱۹۹۱ د رادهستی دهولته تی تورکیا کرایه وه.

ئه مریکا له سالی ۲۰۰۳ تا سالی ۲۰۱۰ له دهوروبه ری کهنداودا شه پری خو قایمکردن و خو ریکخسته وهی به پیره برد. ئیراقی داگیرکردبوو، په یوه ندی له گه ل میسر و سعودیه پهره پێدا. دواتر قوناعی به هاری عهره بی هاته ئاراهه. تاییه تمه ندی سه ره کی سه ره له دانی به هاری عهره بی تیکۆشان بوو له دژی دیکتاتۆره نه ته وه په رسته کان. سیسته می سه رمایه ی جیهانی هه ولیدا له چوارچێوه ی به رژه وه ندییه کانی خویدا سوود له مه وه ربرگریت.

دهوری تورکیا له قوناعی به هاری عهره بیدا

تورکیا راسته وخو له ناو ئه م قوناعه دا بوو. ئه مریکا هاوکات له گه ل هیرشکردن بو سه ر رۆژه لاتی ناوه پراست خه ریکی دارشتن و پیناسه کردنی ستراتژی سیسته می نوی جیهانی (New World Order) بوو. پرۆژه ی "رۆژه لاتی ناوه پراستی مه زن" به شیک بوو له م ستراتیه. له م پرۆژه یه ی رۆژه لاتی ناوه پراستدا تورکیا رۆلی هه ره گه وه ی پیدرابوو، ته نانه ت ره جه ب ته یب ئه ردوغان به ئاشکرا گوتی که من

هاوسه روکی پرۆژه ی رۆژه لاتی ناوه پراستی مه زنم و هه ولیدا که سوود که بزووتنه وه جه ماوه رییه کانی قوناعی به هاری عهره بی بگریت. له م چوارچێوه یه دا له م میسر و له سوریا که وتنه جووله. به پشتیوانی ئه مریکا توانیان له زۆر ولاتدا پارتی دا به زریتن و بن به ده سه لات. له میسر دا هه لباژاردنه که یان برده وه، له به رامبه ر رژیمی سوریاش "سوپای ئازادی سوریا" یان ریکخست. ئه م هاوپه یمانییه ی ئیوان تورکیا و ئه مریکا هه تا سالی ۲۰۱۵ به رده وام بوو. به لام ئه وه دوخه ی که له میسر هاته کایه وه جیاواز بوو، هاوپه یمانییه ته که ی تیکدا، ئه ردوغان ئه م دوخه ی وه که هه لیک بینی بو ئه وه ی له چوارچێوه ی پرۆژه ی رۆژه لاتی ناوه پراستی مه زندا په ره به بالادهستی ئیخوان موسلمین له هه موو ولاتان بدات و ده سه لات بگریته ده ست خو ی. ئه مریکا ناچارما ته گبیریک بو ئه مه بگریت. ئه مریکا بو به ره نگار بوونه وه ی کاریگه رییه کانی یه کیتی سوڤیهت ئیخوان موسلمینی به دهستی خو ی دروست کردبوو. ریکخراوی ئه لقاعیده ش به هه مانشیوه بو تیکۆشان له به رامبه ر یه کیتی سوڤیهت له ئه فغانستان دروست کرا. هوکاری دروستکردن و ریکخستنکردنی



۲۰۱۰ که دۆخی سوریا بوو به رۆژه ق، ئەم هیرش و ئاماده کارییه سه ربازیانه له رۆژه لاتى ده ریاى میدیترانه چر بوونه وه. ئیران خۆی گه یاندبووه لوبنان و سنووری ئیسرائیل و هیلالی شیعی دروست کردبوو. هۆکاری کوشتنی قاسم سوله یمانیش هه ر ئەمه بوو.

له ۷ ئۆکتۆبه ر له گه ل شه ری غه زه دا قوئاغیکی نوێ هاته کایه وه. له م رۆژه به دواوه ئاماده کارییه کی گه وره له رۆژه لاتى ده ریاى میدیترانه به رده وامه. ئامانجى هه موو ئەم ئاماده کارییه سه ربازیانه ئەوه یه که به پێی به رژه وه ندى و پاراستنی ئیسرائیل، رۆژه لاتى ده ریاى میدیترانه بو رپه روى نوێ وزه و بازرگانی هه موار و خاوین بکریته وه و به م شیوه یه به ته واوی ده ست به سه ر ئەم رینگایه دا بگرن. هه ر بۆیه ئەمریکا پاپۆری جه نگی و هیزی ده ریاى خۆی هینایه رۆژه لاتى میدیترانه. هه روه کو چو ن له ۲ ئابى سالى ۱۹۹۰ دا له دواى داگیرکردنی کوه یته وه، له رینگای زه مینه وه له سه عودیه وه ۱۵۰ هه زار سه ربازی هینا، ئەمجاره ش هیزه ده ریاى هه کی له رۆژه لاتى ده ریاى میدیترانه وه هینا وه بو وه ته به کاریگه رترین هیزی سه ربازی له وه هه ریمه. به ده ستی ئیسرائیل هیرشى راسته وخۆی سه ربازیان

هه موو ئەمانه بو پیشه نگاهی ته کردنی سیسته می ئەمریکا بوو. پرۆژه ی پشتینه ی سه وز ئەو پرۆژه یه بوو که نه هیلیت یه کیتی سوڤییت بکه وپته ناوچه ی ئاوه گه رمه کانه وه. بو ئەمه ش له زور ولاتی جیاوازا ریکخراوی ئیسلامی جیاواز دروستکران. تورکیاش هه ر له بهر ئەم هۆکاره داخلى ناتو کرا. تورکیاش وه ک شوپنیک که ده که وپته دوورترین گو شه ی باشوری رۆژه لاتى په یمانى ناتو له چوارچێوه ی پرۆژه ی "پشتینه ی سه وز" دا ریکخرا و رۆلیکی چالاکی بینى. به لام سیسته می مۆدیرنیته ی سه رمایه دارى له وه ترسا که قه له مبازی ئیخوان موسلمین کاریگه ری له سه ر هه موو رۆژه لاتى ناوه راست دروست بکات. ئیخوانیش بو خۆی لایه نگرى پارێزگاری کردن له قه واره ی هه یی رۆژه لاتى ناوین بوو و ویستی له هیرشه کانی سیسته می سه رمایه ی جیهانی دا سودمه ند بییت. بو ئەوه ش ئەمریکا ئەگه ر به ته واویش نه بییت، کاره هاوبه شه کانی له گه ل تورکیا کۆتایی پێ هینا.

له ۷ ئۆکتۆبه ره وه قوئاغیکی نوێ ده ستی پیکرد له سالى ۱۹۹۰ وه تا ۲۰۱۰ هیرشه کان له سه ر که نداو و ده ورهبه ری چر بوونه وه. پاش سالى



ئىراق و ئەفغانىستان. ئەم بىيانويانە بەردەوام لە ئارادان و ناپرېنەو. ھەروەھا پۆتينييان ھاندا ھيرشى سەر ئۆكرانيا بکات و شەرەكەش تا ئىستا بەردەوامە.

ديسان سەرى بەنەكەيان دايە دەستى ئەردوغان ھيرشەکانى ھەماس، زەمىنى بۆ ھيرشەکانى ئيسرائيل بۆ سەر غەزە رەخساند. گەفتوگۆي وەھا ھەن كە گوايا مۆساد ھەماسى بۆ ئەو ھيرشە ئاراستە کردوو. ھەروەھا دەگوتريٲت كە مۆساد بۆ لاوازکردنى بزوتنەوہى رزگارى فەلەستين بزوتنەوہى ھەماسى دامەزراندوو. ئەوانەى كە لە ئەمريکاوہ دەستيان بە زانيارىيە ھەستيارەکان دەگات ئەم شتانە دەليٲن. لەنيو ھەلسەنگاندنەکانى رٲيەر ئاپۆشدا شتى لەو بابەتە ھەن. ھەرچەندە ھەماس ھيرٲيک نەبوو كە كۆنترۆل نەكرٲت، ھەمووشيان لە دژى ئيسرائيليش نەبوون، بەلام ديسانەوہش دەزوہكەيان بەدەستى تەيب ئەردوغان راكيشا. ئەمەش بوو بە بىانويەك كە غەزە لە ناو بەرن. شەرى غەزە گرنگە. ميٲزووى غەزە و قودس ھاوتەريب پيٲكەوہ دەپۆن. لە رووى ميٲزوويشەوہ وەھا دەگوتريٲت "بالادەستى لەسەر قودس بە غەزەدا تٲپەر دەبيٲت". پرۆژەى پاكئاوکردنى کردنى ھەموو فەلەستين لە ئارادايە. پٲويستە ئەم راستىيە وەھا بىنريٲت. لەكاتى ئىستادا لەوانەيە رٲگە بدرٲت كە گەلى فەلەستين تا ئاستيٲك وەك كۆمەلگايەك بمٲنٲتەوہ. بەلام لەوانەيە رٲگەش نەدرٲت. بەرەبەرە كەميان دەكەنەوہ. ئەمەش ھەنگاو بە ھەنگاو دەكەن، چونكە بيٲگومان ناتوانن ئەم پرۆژەيە ھەموو بەجاريٲك پيٲك بيٲن.

پەيوەندى ئاگەپە و ھەماس پەيوەندىيەكى

ئايدىيۆلۆژىيە

دواتريش نۆرە گەيشتە لوبنان. ھەموو پەرەسەندنەكان ئامازەيان بەم خالە دەکرد. ئەوہى

«ئەوہى ئيران و حيزبولاي ھاندا لە دژى ئيسرائيل شەر بکەن تورکيا بوو. بەپيٲى حساباتى تورکيا ئەگەر ئيسرائيل لەگەل حزب الله بکەويٲتە نيو شەرەوہ، ئەوا ئيرانيش راستەوخۆ بەشدارى شەرەكە دەبيٲت. بۆ ھەماسيش ھەمان حسابات ھەبوو. تورکيا ھيوای ھەبوو كە ئيران بۆ خاوەنداريکردن لە ھەماس بەشدارى شەر لە دژى ئيسرائيل بيٲت»

دەست پيٲکرد كە تا ئىستاش بەردەوامە. راستە ئەم شەرە ھەماس دەستى پيٲکرد، بەلام ئەوہى ھەماسى ھان دا و ئاراستەى کرد، رەجەب تەيب ئەردوغان بوو. ئەمە شتىكى مسۆگەر و حاشا ھەلنەگرە. ئيمە ھەر لە سەرەتاي شەرەكەدا ئەم خالەمان دەستنيشانکرد. دواتريش چەند لايەنيٲك ئەمەيان پشت راست کردوہ. لە تورکيادا تەيب ئەردوغان و شەريکەکانى ھەولدەدەن ئەم راستىيە بشارنەوہ، تاوہكو لەوہ زياتر تەشھير نەبن. راستىيەكەشى ئەوہيە كە رەجەب تەيب ئەردوغان وەكو جاسوسىكى تٲكدەر و ئاژاوہگير بەكار دەھيرٲت.

ئەمريکا و ئيسرائيل خويان بۆ ھيرشى غەزە ئامادە کردبوو، لە بىانويەك دەگەران. ئەوہى ئەم بىانويەى دا بە دەستىيانوہ، ھيرشەكەى ھەماس بوو لە ۷ ئۆكتۆبەرەى ۲۰۲۳. لە ھيرشەکانى ئەمريکا بۆ سەر رۆژھەلاتى ناوہراست ھەميشە بىانوى لەو شٲوہيە بە كار دەھيرٲن. بۆ ھوونە لە ۲ ئاب ۱۹۹۰ سەدام كوہيتى داگيرکرد، ئەمە بووہ بە بىانوى شەرى كەنداو. لە ۱۱ ئەيلوول ۲۰۰۱ دا بزوتنەوہى ئەلقاعيدە ھيرشى دوو بالەخانەكەى ئەمريكاي کرد، ئەويش بووہ بىانوى داگيرکردنى

«ته گهر روسیا له دۆخیکی وه هادا
 بووایه که بتوانیت بهرگری له سوریا
 بکات، بیگومان نهیده هیشت
 بهوشیویه هیرش بکریته سهر سوریا.
 ههر دوو شهره که یان کرده بابته
 سهودا و مامه له. سهرکه وتنی ترامپ
 له هه لېزار دنه کاندایه م سهودایه
 ئاسانتر کرد و ریکیش که وتن. که واته
 له بابته تی ئوکرانیاشدا ریکه وتوون»

ههم به ئیراقیش فرۆشت، چونکه ههر دوو ولاتیش له گه ل که سی دیکه دا ده رفه تی بازرگانان نه بوو. په یوه نندیان له گه ل تورکیادا هه بوو، ههر دوو کیشیان پیکه وه له ناو شهردابوون. هیچیان له شوئینیکی دیکه نه ده کړی. ئه وهی که تورگوت ئوزالی بو ماوه یه کی درېژ له سهر ده سه لات هیشته وه ئه و بازرگانیه بوو. ده گوتریت که گوایا ئوزال له رووی ئابورییه وه تورکیای به ره و خوشگوزه رانی بردوو، به لام هۆکاره راسته قینه که ی وه کو ئاماژه مان پیکرد وایه. ئه ردو غانیش به هه مان شیوه هیوای وابوو که شه پری ئیران - ئیسراییل ره وشیکی وه ها بهینتیه ئاراهه، به لام په ره سه نندنه کان به و ئاراسته یدا نه چوون. هیرشى ئیسراییل بو سهر حزبولا به هه مان شیواز و ته کتیکى شه پری حماس نه بوو. بو لیدان له حزبولا ته کنولۆژیایان له ناستیکی زور به رزدا به کار هیئا و هه موو په یوه نندییه ناو خوئییه کانیان پچراند. له نیو حیزبولاشدا توپری سیخوړپریان جیگیر کرد بوو که زانیارییان ده دا. به م شیویه خوئیان ئاماده کرد و له ماوه یه کی کورتیشدا گورزی کوشنده یان لیدا. وه ک تورکیا چاوه پتی ده کرد نه هاته دی، شه په که زور درېژخایه نه بوو، شه پریک که ئیسراییل لاواز بکات. به پیچه وانوه حزبولا لاواز بوو، به مهش په رپوبالی

ئیران و حیزبولای هاندا له دژی ئیسراییل شه پر بکه ن تورکیا بوو. به پیی حساباتی تورکیا ته گهر ئیسراییل له گه ل حزب الله بکه وپته نیو شه په وه، ئه و ئیرانیس راسته وخو به شداری شه په که ده بیت. بو حه ماسیش هه مان حیسابات هه بوو. تورکیا هیوای هه بوو که ئیران بو خاوه نداریکردن له حه ماس به شداری شه پر له دژی ئیسراییل ببیت. تورکیا ویستی له و روانگه یه وه ئه نجامیک به ده ست بخت، به لام ئیران خاوه ن له حه ماس ده رنه که وت. چوونکه راستیه که وه ها نه بوو؛ حه ماس ریخستینکی ئیخوانیه، ئیرانیس شیعه یه. له وانیه ئیران پشتگیری له ریکخته ئیسلامیه کان بکات به لام له بیرمان نه چیت که په یوه ندی ئاکه په به حه ماسه وه به هیتره، په یوه ندی ئه وان مه زهه بییه، واته ئایدیولوژییه.

ئه وهی تورکیا چاوه روانی ده کرد نه هاته دی

نه یان توانی ئیران راسته وخو په لکیشی ناو شه په که بکه ن. تورکیا حسابی ئه وهی ده کرد، که ئیران بکه وپته نیو شه په که وه و له دژی ئیسراییل هه ندیک خوراگری بکات، شه په که درېژه بکیشیت و له ئه نجامدا هه ردوو هیز هاوسه نگییه ک له تیوانیاندا دروست بیت، ئه وکات هه ردو کیشیان تووشی زور و زه حه ته ی بن و موحتاجی تورکیا بن. تورکیاش له گه ل هه ردوو لادا په یوه نندییه کانى خو ی به رده وام بکات و به مشیویه به پشت به ستن به م پیکداندانه له روژه لاتى ناوه راستدا کاریگه ری خو ی به هیز بکات. جیگه ی وه بیره ئانه وه یه که کاتی خو ی هه موو هونه ری تورگوت ئوزال سو دوه رگرتن بوو له شه پری ئیران - ئیراق. شه پری ئیران - ئیراق نه با دیارده یه ک به ناوی تورگوت ئوزال له تورکیا نه ده هاته ئاراهه. ده گوتریت ئوزال ژیر و زانای ئابوری بوو! به لام راستیه کان وا نیین. له ئه نجامی شه پری نیوان ئیران - ئیراقدا تورگوت ئوزال هه موو شتومه کی به کارنه هاتوی ولاته که ی هه م به ئیران

ئەوروپا (IMEC) بوو. لە راستیدا ریگە ی روسیا-چین کورتترین و پرکازانجترین ریگای زەمینی بوو. ئەم ریگا لە باکوری دەریای ڕەشەوێ چین و هیندستانی بە ئەوروپاوە، بە پاریس و لەندەن و بەرلینەو دەبەستەو. بەشەری ئۆکراینا ئەمەیان تیکدا. ئەمە هەمان پرۆژەکی چینە، پرۆژە "پشتینەیک و ریگایەک". چین ویستی ئەم پرۆژەییە لەسەر روسیاوە بەرپۆە بیات، بەلام بەشەری ئۆکراینا پووجەلیان کردەو. ئەگەر ئەم ریگەییە سەری بگرێت، چین و روسیا کاریگەرییەکی زۆری ئابوریان لەسەر ئەوروپا دادەنا. لە بواری ئابووریدا ئەورپایان بە خۆیانەو گرێدەدا. ئەلمانیا و هەندیک ولاتی تریش هەتا ئاستیک بەهۆی وابەستەبوونیان بە گازی سروشتیەو پەیوەندی خۆیان لەگەڵ روسیا پەرە پێدایوو. ئەمەش کاریگەری ئەمریکای لەسەر ئەوروپا لاواز کردبوو، ئەمریکا دەکەوتە ریزی دواوەو پلانەکانەو. ئەم کاریگەرییە ئابورییە چین و روسیا لەسەر ئەوروپا رەنگدانەو بوو بۆ بواری سەربازیش هەبوو. هەربۆیە ماکرۆن گوتی "ناتۆ میشکی مردوو". هەرەها گوتی کە ئەوروپا پێویستی بە سوپایەکی نوێ هەیە بۆ پاراستنی خۆی. هەربۆیە ئەلمانیا و فەرەنسا لەنێو لیگەرینی دامەزراندنی سوپایەکی تایبەت بە ئەوروپا بوون. هەموو ئەمانە دەبوونە هۆکاری کەمبوونەوێ کاریگەری ئەمریکا لەسەر ئەوروپا. بەلام ئەمریکا ئەم دۆخەیی هەلگەپراندهو و پێچەوانەیی کردەو. بەشەری ئۆکراینا ئەو ریگایە هێلی وزەیان تیکدا، پەیوەندی چین و روسیاشیان بری. سوید و فنلانیدیان داخلی ناتۆ کرد و ناتۆیان گەرەتر کردەو. بەمشۆیە ئەمریکا دەسکەوتی زیاتری بەدەستەپێنا. بە پشتبەستن بەم دەسکەوتانە و هەرەها ئەو زۆری و زەحمەتیانەیی کە روسیا لە ئۆکراینا تووشی بوو، دەرەتی ئەوەیان بینی کە لە ریگەیی ئیسرائیلەو هێرشەکانیان لە رۆژەلاتی دەریای میدیترا ئەزاتر پەرە پێدەن. ئەم دۆخە کاریگەری لەسەر سوریا دا. بە هەلبژاردنی

ئێران شکا. بەهێزترین سەنگەری ئێران شکا. هەربۆیەش ئێران لەحیاتی شەر لەهەوڵی ریکەوتندا بوو. هیزی شەری ئێران لاواز بوو. ئەمەش تورکیای توشی سەرسورمانکرد. پێویستە ئەم راستییە بینین. بارودۆخە کە وای لێهات کە تورکیا ترس کەوتە دلی. لە راستیدا ئەو دۆخەیی کە حزبولا تیکەوت، هەم ئێرانی لاواز کرد و هەم ئاکەپەشی تووشی ترس و هەژان کرد. وەکو حسابی کرد دەرەچوو. لەو ترسا کە ئێران بیکاریگەر بیست و لەهەریمەکەدا بەهەموو شیوەیک دەرگا بۆ ئیسرائیل ئاوالا دەبیست. ئەو هەولانەیی دەولەت باخچەلی کە لە رۆژی ۱ی ئۆکتۆبەرەو دەستیان پیکرد هەموو لەم مەسەلانەو سەرچاوەی دەگرت. تورکیا لە نێو ترس و دلەراوکیدا بوو. ئەو گورزانەیی کە بەر حیزبولا کەوت، تورکیای خستە ناو لیگەرینیکی بەو شیوەیە.

لە راستیدا پێویستە بەو باوەرپکەین کە ئیدی نۆرەیی سوریاش هاتبوو. لەم بارەییەو زانیاریی بآو دەبوونەو. هەرچەندە ئێران و حزب الله لە لوباندا گورزیان بەرکەوتوو، بەلام قوناغی ئاستانە هیشتا بەردەوام بوو و ئەمەش ریگەیی لەبەردەم قوناخیکی ئالۆز کردبوو. قوناغی ئاستانا هاوپەیمانی تورکیا- روسیا- ئێران بوو لە سەر بابەتی سوریا. گفتوگۆی ئەو دەکرا کە ئایا دۆخی سوریا بەرەو کوێ دەروات، ئایا سیستەمی سەرمايەیی نێونەتەوویی ئەم قوناغە چۆن بەرپۆە دەبات. چونکە روسیا لە ناو ئەم ئیشەدا بوو. هەرەها شەری ئۆکراینا هەبوو. لە هەلبژاردنەکانی ۲۰۲۰ی ئەمریکادا ترامپ رۆشت، بایدن هات. بایدن دەستبەجێ بریاری کشانەوویی لە ئەفغانستان دا. ئەو بریارە پێشتر ترامپ گرتبوو. هەمان شت بۆ شەری ئۆکرایناش راستە.

بە شەری ئۆکراینا هێلی وزەیی باکوریا تیکدا

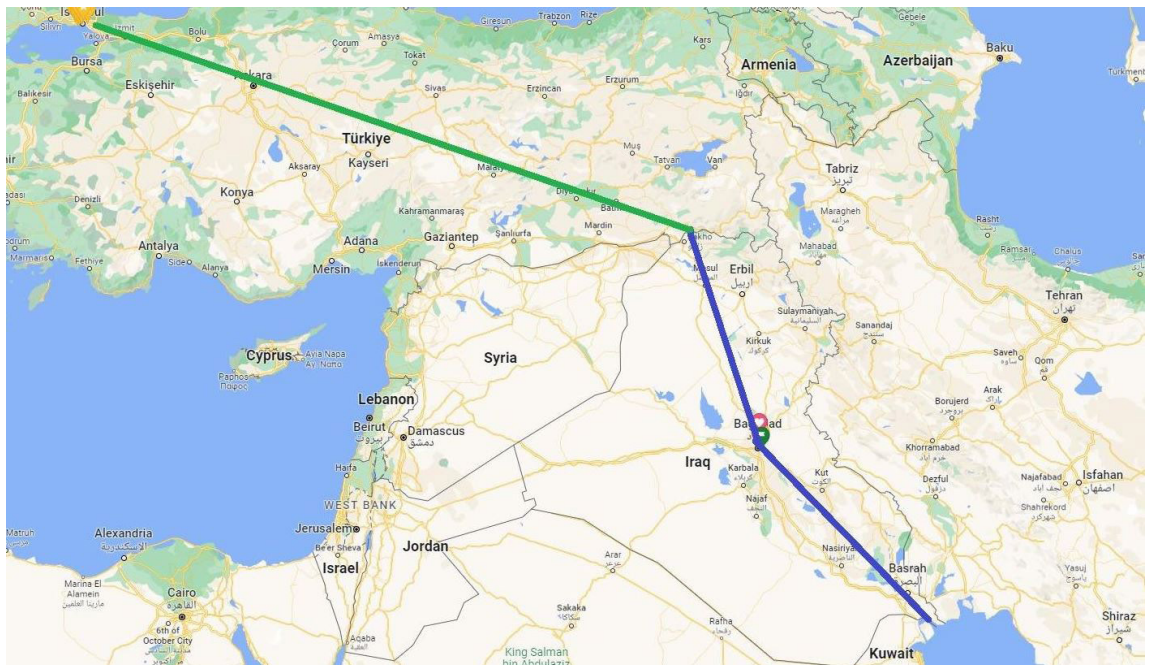
بەرەیی ئۆکراینا گرنگییەکی هەمەلایەنەیی هەیە، بە شەری ئۆکراینا ریگەیی وزەیی روسیا - چینیان تیکدا. ئەم ریگەییە وەک جیگەرەوویی ریگای هیندستان-

«به دهستی دهسه لاتى تورکيا
 رژيمه کى به شار ئه سه ديان
 رووخاند، ئه وه دهسه لاتى که خوى
 به موسلمان ده زانى. درزيان خسته
 نيوان په يوه ندى تورک - عه ره به وه و
 ئالوزيبان زياتر کرد. ناکوکى نيوان ئيران
 و تورکيبان زياتر کرد»

روسيا له دوخىکى وه هادا بووايه که بتوانيت به رگرى له سوريا بکات، بيگومان نه يده هيشت به وشيوه په هيرش بکريته سهر سوريا. ههر دوو شه ره که يان کرده بابته سى سه ودا و مامه له. سه رکه وتى ترامپ له هه ليار دنه کاندئا ئه م سه ودايه ي ئاسانتر کرد و ريکيش که وتن. که واته له بابته ي ئوکرانياشدا ريکه وتوون. ئيتر ئوکرانياش داده پيژنه وه. له بابته ي سورياشدا ريکه که وتن. ديار نيهه روسيا چى بو ده ميپيته وه. له وان هيه له روژه لاتى ده رى اى سى له سه ر به نده ريک ريکه وتيبتن. په ننگه روسيا ئه م بابته ي به سه رياندا سه پانديت. ئه گهر له م

ترامپ ئه م مه سه له يه زياتر يه کلایى کرايه وه. هه نديک پييان وابوو که بايدن به رله وه ي مائناوایى له کوښكى سى سى بکات له هه ولى ئه وه دايه هه نديک شت بکات. به لام ئه مه ش به ته واوه تى وه ها نيهه. راسته له وان هيه ئه م ريکا و لاتى کى زور ديرين نه بيت و ده و له تى کى ۲۰۰ ساله بيت، به لام ده و له تى کى خاوه ن داموده زگای به هيزه، ده و له تى دامه زراوه کانه. کاتىک ترامپ له هه ليار دنه کاندئا سه رکه وت ئيتر ترامپ چى بليت بايدن ئه وه ئه نجام ئه دات، شتى کى دى که ئه نجام نادات، چونکه ئه وه ي سه رکه وتووه ترامپه.

له سه ر سوريا ريکه که وتن، ئوکرانياش داده پيژنه وه سه رکه وتى ترامپ له هه ليار دنه کاندئا ئه م ريکا دا، به شيوه يه کى به رچاو کارى گه رى له سه ر رووداوه کاندئا سوريا دا هه بوو. بو هه وونه ده رگای مامه له کردنى له گه ل روسيا کرده وه. ترامپ ئه مه ي به ئاشکرا له پروپاگه نده ي هه ليار دنه کاندئا خسته بهر باسه وه. له گه ل روسيا مامه له و سه ودايان له سه ر ئوکرانيا و سوريا کرد. له سوريا شتى هه ره ئالوز دوى روسيا بوو. له ئوکرانياش له نيو شه پدايه، ئه گهر



«تا ئه وگانه ی سیستمی
قهواره پاریزی تورکیا و ئیران
هه لئه وه شیتته وه سیستمی
نوئی رۆژه لاتی ناوه راست
دانامه زریت. سه رمایه داری ناتوانیت
سیستمی خوی دا مه زری نیت. پاش
هه لئه شانده وه ی ئیران و تورکیا
سیستمه مه که ی خویان داده ریژنه وه»

بابه ته دا گوشاری نه خستییته سه ر لایه نی به رامبه ر،
ئه وا دیاره که روسیا له دۆخیکی زۆر لاوازیاده.
روسیا ئامانجیکی له میژینه ی هه یه، ئه ویش ئه وه یه
که خوی بگه یه نیتته رۆژه لاتی ده ریای میدیترانه.
ئامانجی چارری (تزاری) روسیش ئه مه بوو، یه کیتی
سۆقیه تیش به هه مان شیوه. چونکه ئه مه ستراتیژی
بنجینه یی روسه کانه. کاتیک که ده سه لاتی به شار
ئه سه د له دوا ی سالانی ۲۰۱۰ وه رووی له لاوازی کرد،
روسیا سوریا ی به خویه وه گریدا و پیگه و شوینی
خوی له سوریا پته وتر و به رفراوانتر کرد. روسیا
ده یوانی ده ست له و پیگه یه ی خوی هه لئه گریت.
ئه گه ر ئیستا ده بینین که ده ستی لئ هه لئه گریت،
مسوگه ر لیتره دا ریککه وتنیک هه یه.

روسیا داخلی پرۆژه ی رپه وه ی وزه که بووه

وه ک دیاره ریکه وتنیککی دوو لایه نه له ئارادیه.
هه م له سه ر رۆژه لاتی ده ریای میدیترانه و هه م
له سه ر ئوکرانیا سه ودا و مامه له کراوه. ریکه وتن
له سه ر ئوکرانیا له هه مانکاتدا ریکه وتنه له سه ر
ده ریای میدیترانه. ده توانین بلیین که روسیاش
به مشیوه یه که ووتته ئیو پرۆژه ی رپه وه ی وزه وه.
گرنگی مملانی و پیکدادانه کانی سوریا له مه دایه.
ئه م هه لئو یسته ی روسیا و ناچار کردنی ئه سه د به
پاشه کشه کردن له ده سه لات و سه ودا و مامه له کردنی

له سه ر ده سه لاتی به شار ئه سه د به و واتایه دیت
که روسیا له سه ر رپه وه ی وزه له گه ل سیستم
گه یشتوته ریکه وتنیک. به م ریکه وتنه ته نیا
کیشه ی سوریا یان چاره سه ر نه کرد، به لکو کیشه ی
روسیایان له سه ر ریگای ده ریای میدیترانه چاره سه ر
کرد. که واته، روسیاش خراوته ناو پرۆژه ی دروست
کردنی ئه م رپه وه ی وزه یه. له خۆیدا رپه وه ی باکوری
ده ریای ره ش پووچه ل کراوه ته وه. ئیتر له مه و دوو
هه رده چیت ناکوکیه کان له گه ل روسیا که متر
ده بنه وه، روسیاش له رۆژه لاتی ده ریای میدیترانه وه
له سه ر سوریا وه داخلی ئه م رپه وه ی بازرگانیه
ده بیست. به مشیوه یه پرۆژه ی ریگاکه به هیتر ته بیست.
ئه مه ش لایه نیککی دیکه ی گرنگی ئه م کاره یه.

کاتیک که سیستم له گه ل روسیا ئه م ریکه وتنه ی
کرد، به ره که ی تر زۆر به هیتر بوون. چونکه
مه ترسیه که ی به رده میان روسیا بوو. دوا ی ئه م
ریکه وتنه مه ترسیه که نه ما و به هیتر بوون. هه ربویه
توانیان به هیتر و دنیایه کی باشته وه جاریکی تر
له گه ل تورکیا دا بنیشن و ریکه وتن بکه ن. له راستیدا
وا دیاره که دوا ی ئه وه ی له گه ل روسیا گه یشتنه
ریکه وتن، ئیدی بریاریان دا که له پرۆژه ی
ده ستیوه ردان له سوریا دا به شدار ی به تورکیاش
بکه ن. ئه گه ر له گه ل روسیا دا ریکه که وتبان له وانیه
تورکیایان به شدار نه کردبا، چونکه دۆخه که زۆر ئالۆز
و پر له کیشمه کیش ده بوو و ره نگه نه یان توانیایه
ئیداره ی دۆخه که بدن. ریکه وتنی سیستم له گه ل
روسیا ریگای به رده میانی ئاوه لا کرد. هه روه کو له
غه زه ته یب ئه ردوغانیان وه ک سیخوریکی تیکده ر
و ئاژاوه گیر به کاره یئا، له روخاندنی ده سه لاتی
به عیشدا هه ر وه کو سیخور و ئاژاوه گیریک
به کاریان ه یئا. له ریگه ی به ریتانیا وه تورکیایان
خسته ناو ئه م پرۆژه یه وه و دوا جاریش سکرتری
ناو هاته تورکیا و پلانه که دارپژرا و جیه جی کرا.
هه روه کو چوون به ده ستی ئه ردوغان په تی سیداره ی
حه ماسیان کیشا، په تی سیداره ی به شار ئه سه دیشیان

به هه مان شیوه دایه دهستی ئەردۆغان. تورکیا له کشاندنی پەتی سێدارە سەددامیشدا رۆلی بەرچاوی هەبوو .

زۆر کەس دەپرسن کە دەسەلاتی ئەسەد بۆ ئاوا لە ۱۲ رۆژدا روخا؟ دواى ئەم هەموو رێککەوتنە ئەگەری شتی واش هەیه. چونکە دەسەلاتی بەعس خۆی هیچ هێزێکی نەمابوو، حزب الله - ئێران- روسیا لە پشتیبیوه بوون. لە ئەنجامی لێدانی ئیسرائیلدا ئێران و حزب الله گورزیان بەرکەوت. روسیاش سەنگەری گۆپی و چوو بەرەکەى تر. ئیتر بۆ بەشار ئەسەد لە کشانەوه زیاتر بژاردەیهک نەمایهوه. شانس و هێزی نەما خۆی لەسەر پێ بگریت و خوراگری بکات. لەوانەیه دوو سێ رۆژێکی تر خۆی بگرێتا بەلام هەر سەرکوتیان دەکرد. لەجیاتى ئەمە بەرژەوهندی خۆی لەوهدا بینهوه کە بهو شیوهیه دەسەلاتەکه رادهست بکات. رووداوهکان بەم شیوهیه به خێرای تێپەڕین.

به هه مان شیوه دایه دهستی ئەردۆغان. تورکیا له کشاندنی پەتی سێدارە سەددامیشدا رۆلی بەرچاوی هەبوو .

زۆر کەس دەپرسن کە دەسەلاتی ئەسەد بۆ ئاوا لە ۱۲ رۆژدا روخا؟ دواى ئەم هەموو رێککەوتنە ئەگەری شتی واش هەیه. چونکە دەسەلاتی بەعس خۆی هیچ هێزێکی نەمابوو، حزب الله - ئێران- روسیا لە پشتیبیوه بوون. لە ئەنجامی لێدانی ئیسرائیلدا ئێران و حزب الله گورزیان بەرکەوت. روسیاش سەنگەری گۆپی و چوو بەرەکەى تر. ئیتر بۆ بەشار ئەسەد لە کشانەوه زیاتر بژاردەیهک نەمایهوه. شانس و هێزی نەما خۆی لەسەر پێ بگریت و خوراگری بکات. لەوانەیه دوو سێ رۆژێکی تر خۆی بگرێتا بەلام هەر سەرکوتیان دەکرد. لەجیاتى ئەمە بەرژەوهندی خۆی لەوهدا بینهوه کە بهو شیوهیه دەسەلاتەکه رادهست بکات. رووداوهکان بەم شیوهیه به خێرای تێپەڕین.

پێدەچیت سیستم نەیهوئیت لەسەر کورد لە گەل تورکیادا پێکدادان بکات

ئێستا سوریا یان روخاند و دواتریش ئەگەری ئەوه هەیه هەمان سیناریۆی سوریا لە عێراقیش دووبارە بکەنەوه. ئیدی نۆرە دێتە سەر قوبرسیش. ئەمریکا لە سالی رابردوودا لەگەل قوبرسدا رێکەوتنیکی ستراژیی سەربازی ئیمزاکرد. ماوهیهک لەمەوبەر ئیسرائیلیش لەگەل قوبرسی باشور رێککەوتنی مۆر کرد. ئەوه بۆ چەندین جارە کە لەگەل دەسەلاتی قوبرسدا لە رۆژەلاتی دەریای میدیترا نەمانۆرپی سەربازی ئەنجام دەدات. دواجاریش ئیسرائیل بریاری دا کە سیستمێکی پاراستنی ئاسمانی وه کو سیستمهکهی خۆی لە قوبرسدا داڕێژێت. ئەلمانیای و ئەمریکا هەمان شتیان بۆ یونانیش کرد. یونانیان لە هەموو رویهکهوه ئاماده کرد. ئیستا هەموو بەندەرەکان و دوورگەکان به فرۆکەى F ۳۵ دەپارێزن. ئەوا خەریکن پێکهوه باشووری قوبرسیش ئاماده و پرچەک دەکەن. کاتێک کە نۆرە هاتە قوبرس ئەوکات لەوێ کیشەى تورکیا دێتە رۆژەقەوه. رەنگە نەیانەوئیت کە بههۆى سوریا و کوردهکانى سوریاوه ناکۆکیهکانیان لە گەل تورکیا قوولتر بکەنەوه، بەلام کاتێک کە نۆرە هاتە سەر

بۆ ئیسرائیل بۆ خۆی بەشار ئەسەدی نەروخاند؟

وا دەگوترا کە پێشاهاتەکانی سوریا رۆژەلاتی ناوهراست و جیهان دەههژەئیت. چونکە ئیسرائیل کەشیکی وهههێ دروستکردبوو. دەیانگوت کە گویا ئیسرائیل لەدواى حەماس و حزب الله لە ئێرانیش دەدا، تەنانەت نیکاشی ئەوهش هەبوو کە لە سوریاش دەدا، بەلام دیار نەبوو گورزەکه چەند کوشنده دەبیت. بەلام زۆر فیلبازانە هەلسوکهوتیان کرد. ئیسرائیل خۆی ئەم کارەى نەکرد. ئەم رۆلەیان دا بە ئاکەپە و مەهەپە. بەدەستی دەسەلاتی تورکیا رێژمهکهى بەشار ئەسەدیان رووخاند، ئەو دەسەلاتەى کە خۆی به موسلمان دەزانى. درزیان خسته ئیوان پەپوهندی تورک - عەرەبهوه و ئالۆزییان زیاترکرد. ناکۆکی ئیوان ئێران و تورکیایان زیاتر کرد. ئەم پرۆژەیه رێگەى لە بەردەم هەموو ئەم ناکۆکییانە کردەوه. ئەگەر ئیسرائیل هەمان شتی کردبا، رەنگە سەرکەوتنی بەدەست نەهێنابا.

رۆژھەلاتی ناوەراست دانامەزێت. سەرمايەداری ناتوانیت سیستەمی خۆی داھەزێنیت. پاش ھەلۆھشاندەوی ئێران و تورکیا سیستەمەکی خۆیان دادەپێژنەو. چونکە لەئەگەری دامەزراندنی ھەر سیستەمیەکدا، ئەم دوو دەولەتە ھەر دووکیان ئەم سیستەمە پووچەڵ دەکەنەو. بەتایبەت، ئەگەر ئەم دوو ھێزە قەوارەپاریزە پەيوەندییەکانیان پتەوتر بکەن، دەتوانن زیاتر سیستەمەکی پووچەڵ بکەنەو. لەکاتی ئیستادا کاریگەرییەکی وەھایان ھەیە.

دووھەم- بابەتی پەکەکیە، ئەگەر بگەرێنەو ھەرھەتای شەری سێھەمی جیھان، لەوکاتەشدا خێرا لە دژی پەکەکیە سیاسەتی خۆیان دەستنیشانکرد، چون ھەم نەتەو پەرسەتی تورک لە کورد ئەترسیت و ھەم سیستەمی مۆدێرنیتە سەرمايەداریش لەو دەترسیت کە پەکەکیە ھەموو شتیکی لە دەست بگریت و بیات. دژایەتیەکی بەم شپۆھەیان لە گەڵ رێبەر ئاپۆ ھەیە. کین و تورپییەکی زۆریان لەبەرامبەر پارادایمی رێبەر ئاپۆ ھەیە.

لەکاتی شەری جیھانی پەکەمدا شتیکی لەو بابەتە نەبوو. بەلشەفیەکان بەشەوێک حکومەتەکیان گرت، شۆرشیان کرد و بەردەوامیان کرد، چونکە ھیچ ئاستەنگییەکیان لە پێش نەبوو، بەلام ئیستا وانییە. لە ئەنجامی ئەزموونەکانی سەدەری رابردوو سیستەمی سەرمايەداری ئیستا زۆر ھەستیار ھەلسوکەوت ئەکات. ناکۆکی و پیکدادانە ناوخییەکانی سیستەم جوړپێکن، بەلام ناکۆکی و پیکدادانەکانیان لەگەڵ سیستەمی ئالتهرناتیف و کۆمەلگادا جوړپێکی ترن. کاتیکی کە لەگەڵ کۆمەلگادا بکەونە ناکۆکییەو، ناکۆکییە ئیخۆییەکانیان وەلاو دەنن و لەدژی کۆمەلگای رێک دەکەون. بۆئەوھەش تا ئەو کاتە پەکەکیە (وھەکیەزی کۆمەلگای) لاواز نەکەن، سەرکۆتی نەکەن، نەبخەنە ژێر کاریگەری خۆیانەو و وای لێنەکەن کە ناتوانیت ھیچ مۆدێلیک پێشکەش بکات زەحمەتە دەستپوێردان لە تورکیادا بکەن، لەم مەسەلەیدا زۆر بە تەگبیرن. پێویستە ئەمە

قوبرس ئەو کاتە روو لە تورکیا دەکەن و پەلاماری دەدەن. لە قوبرس سیستەم (سیستەمی سەرمايە یۆنەتەوھەیی) لەگەڵ تورکیادا دەکەونە ناکۆکییەو و پیکدادان روو دەدات. چ،نکە ئەگەر قوبرسی باشور بەشداری ئەم پێرھەوی وزەییە بێت، تورکیا ئیدی ناتوانیت قوبرسی باکور لای خۆی رابگریت. لە ئەگەریکی وەھادا قوبرسی باکوریش دەیەویت لەگەڵ قوبرسی باشور یەبگریتەو. ھەرھەباسی گۆرپەانی دەریایی دەکریت. لەویش بەرەرهکانی، پیکدادان و ناکۆکی لەگەڵ تورکیا روودەدات.

پێدەچیت سیستەم لەبەر خاتری کورد لەگەڵ تورکیادا نەکەوێتە ئیو پیکدادانەو. چونکە دەزانیت کە تورکیا لەم مەسەلەیدا زۆر ھەستیارە، ئەگەر لەسەر ئەم مەسەلەیدا لەگەڵ تورکیادا بکەوێتە ئیو ناکۆکییەو ئەوا ھیچ کاریگەرییەکی لەسەر سیاسەتی تورکیا نامێنیت و ناتوانیت کاریگەری لەسەر کەشیش بکات. لەوانەبە لەبابەت و رەھەندی زۆر جیاوازدا دەستپوێردان بکات، کە بێگومان ئەمەش سیاسەتی جیاوازتر دینیتە رۆژھەو. بۆ ئوموونە لەمەسەلە ی رێرھەوی وزە و قوبرسدا دەستپوێردان دەکات، بابەتی جیاوازتر دینیتە رۆژھەو و ھەکی بیانویەکی بۆ پیکدادان. دوایین جاریش کیشەکی کورد دینیتە رۆژھەو.

ئەم قوناغە درێخایەنە، چونکە سیستەمەکی پێویستی بە کات ھەیە. ئەم قوناغە ھەندیکی تر درێژ ئەبیتەو، چونکە سیستەمەکی پێویستی بە کات ھەیە، تا کردەوکانی ھەرس بکات. ئەی باشە کە شتیکی وەھا روودەدات؟ بۆ وەلامی ئەم پرسەش دەتوانین ئاماژە بە دوو خال بکەین؛

یەکەم- پێویستی بە کات ھەیە، تا کردەوکانی ھەرس بکات، بەلام لەم ماویدا نە لە لوبنان، نە لە سوریا و نە لە ئێراقیش سیستەمیکی ھەمیشەیی دانامەزێت. ھەنگاو بەرھەو دامەزراندنی سیستەم دەنن بەلام تا ئەوکاتە سیستەمی قەوارەپاریزی تورکیا و ئێران ھەلنەو شپتەو سیستەمی نوێی

بينریت.

راستی ئەم تیکۆشانەش لە رێگای دەستینشانکردنی راستینە ی تیکۆشان و کات و شوینی ناکۆکی و پیکدادانەکاندا مەیسەر دەبێت. کاتی خۆی لە ئەوروپاش دیکتاتور هەبوون، هەموویان رووخان. لە رۆژەلاتی ناوینیش دا دیکتاتور هەن. نابیت روخانی سەدام حسین بە کەم بگرین و وەک رووداویکی بچووک لیکى بدەینەو. ئەوانە ی کە لە رۆژەلاتی ناوەرستدا بۆ ماوەی ۵۳ سالی دەسەلاتدار بوون لە ماوەیەکی کورتدا رووخان. ئەمانە هەموویان نەتەووەپەرستی توندئاژۆی عەرەب بوون. نەتەووەپەرستی سیستەمی دەولەت - نەتەووە بوون. وادیارە، ئەوانە ی کە کەمیک نەرمترن دەرفەتی ژانیان دەدەن، بۆ نمونە مەلیکەکان ناپرووخیئن. ئیستا لەگەڵ قەوارە ی نەتەووەپەرستی دەولەت- نەتەووەدا لەنێو پیکداداندا، پیشەنگی نەتەووەپەرستی دەولەت - نەتەووەش تورکیایە. ئەم قۆناغە بۆ سیستەمیش بە زەحمەت کۆتایی دیت. هەروا بە ئاسانیش لەناو خۆیاندا ریکناکەون. لەمەوبەدا قۆناخی پیکدادان و ململانی هەر بەردەوام دەبێت.

لە راستیدا تورکیا هەستی بەمە کردووە. ئەمە لە هەلسوکەوتەکانی دەولەت باخچەلیدا رەنگی دایەو. تەیب ئەردوغان تەنھایە ک شتی دەوێت ئەویش ئەوێە کە هەتا مردن لە دەسەلاتەکیدایە بێنیتەو. تەیب ئەردوغان لەوە زیاتر هیچی دیکە ی ناوێت. نە دین بۆی گرنگە نە نەتەوایەتی، هیچ شتیکی نییە. خودی ئەردوغان بۆ خۆی تورکیش نییە.

لە راستیدا تورکیا هەستی بەمە کردووە. ئەمە لە هەلسوکەوتەکانی دەولەت باخچەلیدا رەنگی دایەو. تەیب ئەردوغان تەنھایە ک شتی دەوێت ئەویش ئەوێە کە هەتا مردن لە دەسەلاتەکیدایە بێنیتەو. تەیب ئەردوغان لەوە زیاتر هیچی دیکە ی ناوێت. نە دین بۆی گرنگە نە نەتەوایەتی، هیچ شتیکی نییە. خودی ئەردوغان بۆ خۆی تورکیش نییە.

لە راستیدا وادیارە دەولەتی ئیستای تورکیا هەندیک ئەم راستیە تیگەیشتوو. بۆ کوێ دەروات دەلێت "تیرۆر تەنھا بۆ ئیمە نا، بۆ ئیوێەش مەترسیدارە" ئەو شتە ی کە وەک تیرۆر پیناسە ی دەکەن هزر و رامانی ریبەر ئاپۆیە. لە نێو خۆیاندا موناغەشە ی ئەمە دەکەن و بەو شیوێەش پشستگیری بەدەست دینن. ئەمە هەتا ئاستیک بەرپۆە دەچیت بەلام تا کوێ دەروات ئەوێەش نادیارە.

پۆیستە نزیکیایە تیمان نە رووخیئەر بیت و نەش

خۆ بە دەستەوێدان

بەتەمان بەم هیرشانه بگەن بەئەنجام، ئەگەر بتوانین ئەم هیرشانه پوچل بکەینەو، ئەمە رێگە لە بەردەم پیشکەوتنی زۆر جیاوازیش دەکاتەو. ئەمانە هەموو بابەتی تیکۆشان. پۆیستە بەردەوام پیداجوونەو بە ستراتیز و شیواز و تاکتیکەکانی خۆماندا بکەین. ئیمە کاتیک دەتوانین هەنگاو بەرەو پیشەوێە بێین کە پرۆژە و هیرشەکانی ئەوان پوچەل بکەینەو. پۆیستە شیوازی تیکۆشانی ئیمە بە شیوێە ک بیت کە پرۆژەکانی ئەوان پوچەل بکاتەو. واتە پۆیستە لە دۆخی ک نەگەرین کە لە یە ک کاتدا هەموو پرۆژەکانی ئەوان بروخیئین یان ئەوێەتا بە تەواوی لەگەلیان بکەوینە سازشەو و هەموو شتیکیان پەسەند بکەین، ئەمە چاوەروانییەکی هەلەیه. نە هەلوێستیکی روخیئەر راستە، نەش خیرا هەر شتیکی پەسەند بکە ی راستە. پۆیستە لە ئاسۆی تۆدا هەمیشە تیکۆشان هەبیت. پۆیستە هیز و ئیرادە و پینداگریمان بۆ تیکۆشان هەبیت و ئەمانە لە خۆماندا دروست بکەین. ئەمەش هەنگاو بە هەنگاو دەبیت. ئەوان دەیانەوێت لیمان بدەن و لەناومان بەن، ئیمەش تا ئەو رادەیه ی کە بتوانین پرۆژەکانیان پوچەل بکەینەو، بەهیز دەبین و ئەوان لاواز دەکەین.

ئیمە دەمانەوێت پارادایمی ریبەر ئاپۆ پیکبێین.

شەری رژیم لەدژی گەلی کورد، شەری هیبریدی یە



نامەد شاھۆ

بەشی یەكەم؛

شەڕەش بە پێشەنگایەتی تەفگەری نازادىخوای کورد شەری پاراستنی رەوا، پاراستنی گەوهەری، مۆدێرنیتەى دیموکراتى و شەرى گەلى شۆرشگێرى بەرپۆه دەچیت. لەم سەردەمەدا هەر هێز و لایەنێک بە پێى ستراتیژی و مەرام و بەرژەوهندیەکانى واتا و پێناسەیهک لەسەر ئەم شەره مائۆیرانکەرە بار دەکات. لەکاتیکیدا گونجاوترین و شیاوترین پێناسەو چارەسەرییهک بۆ ئەم شەرهی لەئارادایە لەلایەن رێبەر ئاپۆوه کراوه بۆ بەرپەرچدانەوهی ئەو شەره و پاراستنی هەبوون، ناسنامە و ئازادى، ستراتیژی شەرى گەلى شۆرشگێرى دەستنیشان کردوو.

تایبەت دوابەدوای رووخانى یەکیتى سۆفیهت و هەلگیرساندنى شەرى جیهانى سێهەم ئەمریکا و هاوپەیمانانى لەهەولەدان کە سیستەمی جیهانى سەر لەنوێ ریکبەنەوه و بۆ گەیشتن بەو مەبەستە شەرى هیبریدی یان شەرى تایبەت یان بەرپا کردوو. رژیمی داگیرکەرى ئێرانیش بۆ ئەوهی بەرگرى لەهەژمونی و پوانخوایەکانى خۆى لەناوچەکە بکات بە سالانە لەناو نامادەکارى چر و پردياى و تەنانەت لەدژی گەلانى

لەم وتارەو و چەند بەشى دیکەدا ئاورپیک لەسەر شەرى هیبریدی (فرەهەند - ترکیبى) دەدەمەوه و لەپەرەندە جیاجیاکانەوه هەول دەدەم بە پێى پێویست شیکارى بۆ بکەم. تایبەت ئەم شەره لەلایەن رژیمی داگیرکەرى ئێران بە چ رى و ریباز و فۆرمیک لەدژی گەل و کۆمەلگە بە تایبەت گەلى کورد بەرپۆه دەچیت و تیکۆشان و خوڤاگرى گەل چۆن توانیویەتى هەولەکانى رژیم لەو پێناوهدا بیکاریگەر بکات و چۆنیەتى پووجه لکردنەوه و بیکاریگەرکردن و شەرى گەلى شۆرشگێرى باس دەکەم.

دوا بە دوای شەرى جیهانى دووهەم و سەرەتاکانى شەرى جیهانى سێهەم و پێشکەوتنى تەکنۆلۆژیا گۆرانیکاری بنەرەتى لەپەرەندەکانى شەر بە خێرایى دیتە ئاراوه. ئەو گۆرانیکاریانەش بە گەلیک ناو و دەستەواژەى جیا جیا وەک شەرى جیهانى سێهەم، شەرى تایبەت، شەرى هیبریدی (فرەهەند - شەرى تیکەل و پیکەل)، شەرى تەریبى، شەرى هەمەلایەنە و شەرى مۆدێرنیتەى سەرمايه دارى خەمڵیندراوه. لەبەرئامبەر ئەو



هه‌لبه‌ت شه‌ری جیهانی سی‌یه‌م ئەو شه‌رپه‌یه که به شی‌وه‌یه‌کی نوێ و سه‌رده‌میانه له‌لایه‌ن دارپ‌ژهر و به‌رپ‌وه‌به‌رانی شه‌رپه‌که‌وه به‌رپ‌وه ده‌چیت که زۆر جیا‌واتر له‌دوو شه‌ری دیکه‌ی جیهانییه که شکاندنی ئیراده‌ی گه‌ل و کۆمه‌لگه‌، کۆپله‌کردنی تاکه‌کان، داگیرکردنی جوگرافیا و گو‌رینی دیموگرافیا و تالانکردن به‌ بنهما ده‌گری‌ت. هه‌لبه‌ت جی‌گای سه‌رنجه که رژیمی داگیرکه‌ری ئیران له‌گه‌رما‌وه‌گه‌رمی شه‌ری جیهانی سی‌یه‌م له‌په‌راویزی ئەو شه‌رپه‌دا، شه‌ری هی‌بریدی له‌دژی گه‌لی کورد و گه‌لانی ئیران به‌ شی‌وه‌یه‌کی مه‌ترسیدار به‌رپ‌وه ده‌بات.

له‌ئێستادا له‌لایه‌ن زۆر له‌کارناسان، ستراتژی‌سیه‌نه‌کان و دکتۆرینی شه‌رپه‌وه، شه‌ری ئەم سه‌رده‌مه به‌ شه‌ری هی‌بریدی به‌ ناو ده‌که‌ن. واتا به‌ جی‌گای شه‌ری‌کی نوێی زیاتر، به‌ ستراتژی‌یه‌کی نوێی شه‌ر له‌قه‌له‌می ده‌ده‌ن. به‌ روانگه‌ی سه‌ن ته‌زۆ؛ "خراپ‌ترین هی‌رش، هی‌رش برده‌ن سه‌ر ستراتژی دوژمنه‌". بۆیه رژیم له‌م شه‌رپه سه‌رده‌میانه‌دا ستراتژی پیکه‌وه ژیا‌نی گه‌لان و بونیادانی نه‌ته‌وه‌ی دیموکراتی و چه‌سپاندنی دیموکراسی و به‌رقه‌راری ناشتی و نارامی له‌ناو‌خۆی ئیران و ده‌ره‌وه‌ی به‌ شه‌ری هی‌بریدی کردوه‌ته ئامانج. هه‌لبه‌ت هه‌ر یه‌ک له‌و ده‌ولته‌ت و هی‌زانه‌ی که ئەمرۆ شه‌ری هی‌بریدی له‌دژی یه‌کدی و گه‌لان به‌رپ‌وه ده‌به‌ن به‌ پشتبه‌ستن به‌ روانگه‌ی سه‌ن

ناوچه‌که شه‌ری هی‌بریدی راگه‌یاندوووه. سه‌ره‌رای ئەو شه‌رپه‌ گه‌لانی ئیران به‌ پێشه‌نگایه‌تی گه‌لی کورد و ژنان به‌ به‌رپا‌کردنی شو‌رشی ژن ژیا‌ن ئازادی گه‌وره‌ترین زه‌بری کوشنده‌یان له‌پیلانی ستراتژی شه‌ری رژیم داوه. بۆیه رژیم له‌هی‌رش و په‌لاماره‌کانی بۆ سه‌ر ده‌ستکه‌وت و نرخ و به‌ها کۆمه‌لایه‌تیه‌کان سل‌ی نه‌کردوووه و به‌ پی‌چه‌وانه‌وه هی‌رش و په‌لاماره‌کانی زیاتر و قورستر و درندانه‌تر کردوووه. سه‌ره‌رای ئەوه‌ش هه‌ولده‌دات ئەو هی‌رشانه‌ی به‌ ره‌وا له‌قه‌له‌م بدات و به‌رخ‌ۆدان و تیک‌ۆشانی ره‌وا و دیموکراتیکی گه‌لانی‌ش به‌ ناره‌وا و وینا بکات که ئەو هه‌ولدان و سیاسه‌ته‌ی رژیم بۆ خۆی بنه‌مای شه‌ری هی‌بریدییه.

هاوکات ته‌فگه‌ری ئاپۆیی ئەم شه‌رپه‌ وه‌ک پیک‌دادانی ئیوان سیسته‌می قۆرخکاری سه‌رمایه‌ی ئێوده‌وله‌تی و سیسته‌می قه‌واره‌پاریزی ده‌ولته‌ت - نه‌ته‌وه پێناسه‌ ده‌کات. بۆیه شه‌ری جیهانی سی‌یه‌م هی‌رش‌پیک‌ی سه‌رمایه‌داری قۆرخکارییه بۆ گو‌رینی قه‌واره‌ی ده‌ولته‌ت - نه‌ته‌وه‌کان. بۆیه له‌پێناو پو‌وچه‌ل‌کردنه‌وه‌ی کاریگه‌ریه‌کانی ئەو شه‌رپه‌ له‌ناو هه‌ولتیکی چ‌رو پر‌دایه‌ و به‌ فه‌لسه‌فه‌ی به‌رخ‌ۆدان ژیا‌نه له‌ناو ئاگری شه‌ری جیهانی سی‌یه‌م و شه‌ری هی‌بریدی‌دا هی‌وای بونیادنانه‌وه‌ی ژیا‌نی ئازاد و دیموکراتیک به‌ ستراتژی شه‌ری شو‌رش‌گێ‌ری گه‌ل ده‌بوو‌ژێتیته‌وه.

«گه وهه‌ری شه‌ری سه‌رده‌م، شه‌ری هه‌یریدییه. واتا له‌هه‌ر به‌شیک له‌کوردستان له‌لایه‌ن هه‌ر یه‌ک له‌ده‌وله‌ت نه‌ته‌وه هه‌ریمیه‌کانه‌وه به‌تایبه‌ت له‌لایه‌ن ئه‌ران و تورکیاوه به‌ری و ریبازی چه‌په‌ل له‌دژی گه‌لی کورد ئه‌م شه‌ره به‌رپوه ده‌به‌ن»

ته‌زۆ که ده‌لیت: "تایبه‌مه‌ندی شه‌رپکی سه‌رکه‌وتوو له‌دژی دوژمن، خه‌ریی چالاک، هوشیاری و زانیاری ته‌واوه"، به‌گویره‌ی فۆرم و شیوه‌ی شه‌ری سه‌رده‌میانه هه‌ر یه‌ک له‌وه‌وله‌تانه و له‌ناویاندا رژیمی ئه‌ران به‌په‌یه‌ خو‌یان به‌ریک‌خستن کردوو.

له‌هه‌نگاوی یه‌که‌مدا؛ شه‌ری هه‌یریدی چییه و چ پیناسه‌یه‌ک پر به‌په‌ستی ئه‌م شه‌ره‌یه؟

۱ - شه‌رپکی هه‌مه‌لایه‌نه‌یه که ده‌وله‌ت و ده‌سه‌لات له‌دژی گه‌ل و کۆمه‌لگه‌ په‌یره‌وی ده‌کن.

۲ - شه‌رپکی بئ قورال (بئ یاسا و ریس)، بئ په‌نسیب و بئ دیسپلینه.

۳ - شه‌رپکه که له‌لایه‌ن هه‌زه سه‌رده‌ست و سه‌رکه‌وتار و داپلۆسینه‌ره‌کانه‌وه بۆ له‌باربردنی سئ گو‌شه‌ی بوون، ناسنامه و ئازادی گه‌لان و کۆمه‌لگه‌یان کردوه‌ته ئامانج و به‌کاری ده‌هه‌ینن.

۴ - شه‌رپکه چه‌ندین فاکته‌ری هه‌ز له‌پشت هه‌لگیرساندنه‌وه‌ن، له‌وانه هه‌رشه‌ی سایه‌ری، پرپوگانده و ئازیتاسیون، شه‌ری راگه‌یاندن و به‌کاره‌ینانی هه‌زی سه‌ربازی.

۵ - شه‌رپکه که ئه‌راده، مو‌رال، رو‌ح و هه‌ستی کۆمه‌لگه به‌ئامانج ده‌گره‌یت.

۶ - شه‌ری هه‌ز، مه‌شک و پارادیه‌گمایه، نه‌ شه‌ری سنوور و به‌ریارگه‌کانه.

۷ - شه‌ری شارستانی، سیاسی، مه‌زه‌به‌ی، کۆمه‌لایه‌تی کولتووری و رو‌حیه.

۸ - شه‌رپکه راستی ده‌کاته درۆ و درۆش ده‌کاته راستی. ۹ - شه‌رپکه که دوو یا چه‌ند شت دینه‌ لای یه‌ک و شتیکی نو‌ی و ئالۆز درووست ده‌کات. به‌شه‌ری سه‌رده‌میش به‌ناو ده‌گره‌یت.

۱۰ - هه‌ندیک جار به‌چالاک‌ی ئالۆز، شه‌ری به‌چووک یا چه‌ریک‌یش پیناسه‌ ده‌گره‌یت.

۱۱ - شه‌ری ده‌سته‌ویه‌خه‌ی دوو بلۆک، دوو دونیابینی، دوو روانگه و دوو ئایدیا و ئایدیۆلۆژیایه.

۱۲ - شه‌رپکه له‌لایه‌ن ته‌جینه‌دا و بازنه‌ فیلبازه‌کانی سه‌رده‌مه‌وه به‌رپوه ده‌گره‌یت، ته‌وه‌نده‌ ریبازی ناته‌خلاق‌ی تیدا به‌کار ده‌هه‌نیه‌ت، هه‌تا بیه‌ت ئاسایی ده‌بیه‌ته‌وه و مرۆقه‌کان ئاشنای راسته‌قینه‌ی ئه‌م ریبازه‌ ده‌بن.

۱۳ - شه‌رپکه سه‌راته‌یه‌ی راهاتن، به‌یکاردانه‌وه و فه‌ریبونه.

جیا له‌م پیناسانه به‌ده‌یان پیناسه‌ی دیکه‌ی شه‌ری هه‌یریدی هه‌یه که ریزی بکه‌ین، له‌م به‌شه‌ی نووسینه‌که‌دا ئه‌وه چه‌ند پیناسه‌یه به‌سه‌ ده‌بینم و له‌دریژایی و به‌رده‌وامی به‌شه‌کانی دیکه‌دا هه‌وله‌ده‌م که که‌م و کورته‌ی‌کانی ته‌واو بکه‌م.

شه‌ری هه‌یریدی "Hbrid War" وه‌ک ده‌سته‌واژه‌ش به‌واتای مه‌له‌ز - دوو ره‌گ - چه‌ند ره‌گه، فره‌په‌هه‌ند، شه‌ری ته‌ریکی و تیکه‌ل و پیکه‌له.

ده‌کره‌ی پانتایی ئه‌وه شه‌ره‌ی ئه‌ستا له‌کوردستان به‌رپوه ده‌چیه‌ت دابه‌را و نامۆ له‌گه‌وه‌هه‌ری شه‌ری هه‌یریدی نه‌گرینه‌ ده‌ست. چون گه‌وه‌هه‌ری شه‌ری سه‌رده‌م، شه‌ری هه‌یریدییه. واتا له‌هه‌ر به‌شیک له‌کوردستان له‌لایه‌ن هه‌ر یه‌ک له‌ ده‌وله‌ت نه‌ته‌وه هه‌ریمیه‌کانه‌وه به‌تایبه‌ت له‌لایه‌ن ئه‌ران و تورکیاوه به‌ری و ریبازی چه‌په‌ل له‌دژی گه‌لی کورد ئه‌م شه‌ره به‌رپوه ده‌به‌ن. تایبه‌ت رژیمی داگیرکه‌ری ئه‌ران کۆمه‌لگه‌ی رووبه‌پرووی بۆردومانی ئایدیۆلۆژی و هه‌زری کردوه‌ته‌وه، به‌شیوه‌یه‌کی زۆر هه‌سته‌یار و ورد په‌یره‌وه ده‌گره‌یت. هه‌له‌به‌ته‌ رژیمی له‌سه‌ر ئه‌م فه‌لسه‌فه‌یه که هونه‌ری سه‌رکه‌وتن له‌شه‌ردا ته‌وه‌یه که به‌بئ شه‌ر و خوین‌په‌شتیک سه‌رکه‌وتن مسۆگه‌ر ده‌بیه‌ت، له‌دژی گه‌ل و کۆمه‌لگه‌ شه‌ری سه‌رتاسه‌ری راگه‌یاندوو. بۆیه به‌جیگای زه‌بر و زه‌نگ له‌دژی گه‌لان ریبازی شه‌ری نه‌رم، ره‌وانی و هه‌یریدی سه‌روه‌ر کردوو.

بۆیه که‌م جار که‌سیکی لیکۆله‌ر به‌ناوی فرانک هو‌فمن له‌سالی (۲۰۰۷)وه ئه‌م ده‌سته‌واژه‌یه‌ی به‌کار

«رێبەر ئاپۆ؛ رۆژی ۱۵ شوباتی ۱۹۲۵، بە میژووی دەستیپکردنی قەرکردنی گەلی کورد و ۱۵ شوباتی ۱۹۹۹ بە رۆژی قەرکردنی گەلی کورد پێناسە کردوو»

۱۳- رژییم ئامانجیەتی بوون، ناسنامە و ئازادیەکانی گەل و کۆمەڵگە لەناو مەنگەنەیی قەرکردن و لەناوبردندا پاکتاو بکات. واتا لەناو بەرداشی جینۆسایدی کولتووریی پاکتاو و بیانتۆنیتهوه.

لەو پێناوەدا رێبەر ئاپۆ؛ "رۆژی ۱۵ شوباتی ۱۹۲۵، بە میژووی دەستیپکردنی قەرکردنی گەلی کورد و ۱۵ شوباتی ۱۹۹۹ بە رۆژی قەرکردنی گەلی کورد پێناسە کردوو". واتا دەولەتی فاشیستی تورکیا و رژییمی داگیرکەری ئێران لەدژی گەلی کورد بە هاوبەشی لەم قۆناخدا پرۆسەییەکی قەرکردن بەرپێوه دەبن، ئەو پرۆسەییەش ئەمڕۆ بە رێگای شەری هێبیدی دەیانەوێت بە ئەنجامی بگهیهنن. بۆیە رێبەر ئاپۆ دوا بەرگی بەرگری نامەیی شارستانییتی دیموکراتی بە "بەرگریکردن لە کوردانی ناو بەرداشی جینۆسایدی کولتووریی" پێناسە کرد و ستراتیژییەکی نوێی تیکۆشان و شەری لەژیڕ ناوی شەری گەلی شۆرشگێڕی بۆ گەلی کورد و گەلانی ئازادبخواز دەستنیشان کرد تا بتوانن بەرگری لەبوون، ناسنامە و ئازادی خۆیان بکەن و ستراتیژی داگیرکاری نوێی تیکبەدن. واتا بە وەلام و پلاتیکی ستراتیژی، وەلامی هەپەشەییەکی ستراتیژی دەدەینەوه.

بێگومان شەری هێبیدی لەگەڵ شەری کلاسیک مەودایان زۆرە و ئەم شەپە شەپێکە کە هەمەلایەنەییە و درزی کردووەتە ناو کۆی جومگەکانی کۆمەڵگە.

بۆیە جیاوازی بنهپەتی شەری هێبیدی لەگەڵ شەری کلاسیک لەم سێ خالەدا ریز دەکەم:

- ۱- لەشەری هێبیدی ئاست، پانتایی، رێژە و توندی زیانەکان لەپارادەبەدەرن. لەکاتیکیدا شەری کلاسیک قەبارەیی زیانەکانی زۆر کەمتر لەم شەپە.
- ۲- تێچوووی شەری هێبیدی بە نێسبەت شەری

هێناوه. لەو پێناوەدا هۆفمەن دەلیت: "شەری کلاسیکی نێوان دەولەتەکان جیگای خۆی بە شەری هێبیدی داوه". واتا بە پێی ئەو پێناسەییە رژییمی داگیرکەری ئێران بەردەوام سەبارەت بە پێشکەوتنی چەک و تەکنۆلۆژیا هاشووش دەکات و بە مانۆری سەربازی هێزنوینی و بانگەشەیی نوێیونەوهی شپۆهی شەری سەردەم دەکات کە شەری هێبیدیە. بۆیە رژییم لەم سەردەمەیی شەپەدا لەسەرکوت و داپلۆساندن و قەرکردنی گەلان بەردەوامە و ئامانجی رژییم هیچ گۆرانکاری تیدا دروست نەبووه، بەلکۆو شپۆه و رێبازەکانی شەپەکە گۆرانکاری تیدا ئەنجام داوه.

لێرەدا ئاماژە بە چەند ئامانجیکی بنهپەتی شەری هێبیدی رژییم لەدژی گەل و کۆمەڵگە دەکەم کە بریتیه له:

- ۱- رای گشتی گەل دەکاتە ئامانج، چون ئامانجی سەرەکی شەپەکە بە ئامانج گرتنی ئایدیۆلۆژی و بیر و باوەرپەکانی گەلانی.
- ۲- زیاترین زەبر و گورز لە گەل و کۆمەڵگە دەوه شینیتی.
- ۳- لە نێوان پیکهاتەکانی کۆمەڵگە ناکۆکی و ئاژاوه دەنێتەوه.
- ۴- یه کیتی، یه کپیزی و یه کدەنگی کۆمەڵگە تیکدەدات.
- ۵- هەرپیم و ناوچەیی مەبەست و ئێران، ناسەقامگیر، ئاوارام و نائەمن دەکات.
- ۶- کاولکاری، تیروور و زەبر و زەنگ لەناو کۆمەڵگە بەربلۆ دەکات.
- ۷- لایەنی بەرامبەری شەپە لاواز و تیکدەشکینیتی، تا بە چۆکیدا بدات.
- ۸- لەپۆهەپەری هیزی بەرامبەردا گێژا و بۆشایی دەسەلات دروست دەکات.
- ۹- کۆمەڵگە ناچار بە تەسلیمیەتی رەها دەکات.
- ۱۰- دەیهوێت گەل تووشی چۆکدانانی هەتاهەتایی بییت.
- ۱۱- بەو شەپە تیکۆشانی رەوای گەل تیرووریزە و ناپەوا لەقەڵم دەدات.
- ۱۲- بە شەری هێبیدی رژییم پێشەنگەکانی گەل و کۆمەڵگە بە تۆمەتی ناپەوا تەسفیە - پاکتاو و بیکاریگەر دەکات.



سەرده‌میانه‌ی دژ به گه‌ل سهرکه‌وتن مسۆگهر بکات که بریتین له:

- ۱- رژیم به‌و زه‌بر و زه‌نگانه‌ی له‌دژی گه‌لان به‌رپۆه‌ی ده‌بات، ده‌یه‌وێت ده‌سکه‌وته ئایدیۆلۆژی و سیاسیه‌کانی مسۆگهر بکات.
- ۲- رژیمی داگیرکهری ئێران که ئایدیۆلۆژیه‌کی تایه‌ت به‌خۆی هه‌یه‌و ئازادی بیرورا بوونی نییه‌، بووه‌ته هۆکاری دروستبوونی جۆره‌یه‌ک له‌ره‌وايه‌تی په‌رپه‌وکردنی شه‌ری هه‌یریدی له‌دژی گه‌لان.
- ۳- رژیمی هه‌یریدی ئێران هه‌میشه‌ هه‌ست به‌ هه‌ره‌شه‌یه‌ک له‌به‌رامبه‌ر مانه‌وه‌ی خۆی ده‌کات، بۆیه له‌پێناو پاو‌نخوازیه‌که‌ی خۆی ئه‌و شه‌ره‌ له‌دژی گه‌لان به‌ربه‌لاو و ته‌شه‌نه‌ پێده‌دات.
- ۴- رژیم به‌ نادیا‌ری یا شاراوه‌یی و چه‌ند ره‌هه‌ندی بوونی شه‌ره‌که‌، هه‌میشه‌ خۆی به‌هه‌یز، گه‌وره‌ و سهرکه‌وتوو وێنا ده‌کات.
- ۵- رژیم له‌دژی گه‌لان له‌ پۆزسیۆنی ستراتیژی پاراستندا نییه‌؛ به‌لکوو له‌ ستراتیژی هه‌رشدايه‌ و له‌هه‌موو جومگه‌کانه‌وه‌ په‌لاماری نرخ، به‌ها و ده‌سکه‌وته‌کانی گه‌ل ده‌دات.

کلاسیک که‌متره‌. له‌م شه‌ره‌دا ته‌کنیک و زانیاری به‌لامه‌ تێچوونی شه‌ری کلاسیک بۆ هه‌ر دوو لای شه‌ره‌که‌، چه‌ له‌بواری هه‌یزی مرۆیی و ماددی‌ه‌وه‌ په‌ر خه‌رج و په‌ر زیانه‌.

۳- له‌شه‌ری هه‌یریدی‌دا به‌ریار به‌ خه‌ریابه‌کی زۆره‌وه‌ وه‌رده‌گیردێت. ئالۆگۆره‌کان به‌ خه‌ریایی رووده‌ده‌ن. له‌کاتیکدا له‌شه‌ری کلاسیک به‌ریاره‌کان خه‌را نیین و ئالۆگۆره‌کانیش به‌ خه‌ریایی به‌رپۆه‌ ناچێت.

له‌شه‌یه‌گرتنی تایه‌مه‌نده‌یه‌کانی شه‌ری سهرده‌م پێشکه‌وتنی ته‌کنۆلۆژیا رۆلی به‌رچاوی هه‌یه‌ و بۆ گه‌شتگیربوون و به‌ربه‌لاو بوونی ئاسانکاری زۆری کردووه‌. له‌و پێناوه‌دا رژیمی داگیرکهری ئێران به‌که‌لک وه‌رگرتن له‌ته‌کنیک و ته‌کنۆلۆژیا و زانیاری، شه‌ره‌که‌ به‌ پێی به‌رژه‌وه‌نده‌یه‌کانی خۆی ئاراسته‌ ده‌کات. بۆیه رژیم به‌و سیاسه‌ته‌ی بودجه‌ی زه‌به‌لاحی بۆ هه‌یزه‌ چه‌کدار و ئه‌منیه‌کان و مه‌دیاکان ته‌رخان کردووه‌ و کۆمه‌لگه‌ یه‌خسیری هه‌زاری و برسیتی ده‌کات.

هه‌له‌ب‌ت رژیم به‌ که‌لک وه‌رگرتن له‌ تایه‌مه‌نده‌یه‌کانی شه‌ری هه‌یریدی ده‌یه‌وێت، له‌شه‌ری

«رژیم به شهری هیبریدی دهیهویت ئەو دۆخە ئالۆزەیی تێدایە بە دۆخیکی

ئاسایی لەقەلەم بدات و ئەوانەیی
کە ئالاهەلگری شوپرن بە تیکدەر و
لادەر تۆمەتباریان دەکات کە ولات
ناسەقامگیر دەکەن و بۆ رەوایەتی
پیدان بەو شەرە چەپەلەیی؛ تیکۆشەر،
ئازادییخواز و شوپرشگێرەکان لەسیدارە
دەدات»

٦- رژیم و ناوەندە شەپانگیزیەکانی لە شەری
هیبریدییدا ستراتیژی سەرکەوتنی بۆ شەر بە رێگای
رەش کردن، تۆمەتبارکردن، گۆشەگیری و دوورخستنەوهی
رەهای دژبەرانی خۆی بیکاریگەر دەکات.

رژیمی داگیرکەری ئێران شەری هیبریدی بە چوار
قۆناخی جیاوازی شەر لەدژی گەل و کۆمەلگە و
لایەنە دژبەرەکانی خۆی بەرپۆه دەبات کە بریتین
لە:

١- لاوازی رۆحی - مەعنەوی و باوەری کۆمەلگە

بەم ریکارەوه رژیم لەپیناوە بەرژەوهندیەکانی
دەیهوویت کۆمەلگە تەریبە بکات و سەرورەری خۆی
بەسەر کۆمەلگەدا بەسەپینت.

ئەوهش لە ٥ رەهەندەوه لەدژی گەل و کۆمەلگە
بەرپۆه دەبات.

ئا: نفوز- دزە کردنە ناو جومگەکانی کۆمەلگە بە
رێگای ژبانی کۆمەلایەتیەوه دەکریت. هەلبەت رژیم
سەرەتا دزە دەکاتە ناو هۆش و زەینی تاکەکان و مێشک
و هەستیان فەتخ دەکات. دواتر لەبواری سیخوپی و
دەستەو تاقمەکانیەوه لەهەولێ لەناوبردنی شیرازەیی
کۆمەلگەییە.

ب: پروپاگاندا بە ئامانجی فەتخ کردنی زەهینەتی
گەل. رژیم بەم رێبازە تاک لەهەبوونی خۆی نامۆ
دەکات. مێشکی دەشوژیتەوه و ناسنامەیی دەگۆریت.

ئەوهش ئەوهندە دووپات دەکاتەوه کە تاکێ فەتخ کراو
باوەر بەو درۆییە کە رژیم دەرخواردی داوه بکات.
پ: پەیهوئندی راستەوخۆ بە رێگای ناوەندە پیرۆزەکانی
دەسەلآت و تۆرەکانی دەسەلآت و یاسا و رێساوه.
ت: موحتاجی خۆکردن لەبواریەکانی ئابووری و دابین
کردنی پێداویستیە سەرەتاییەکانی ژبان.
ج: توانەوه و بۆ ئێرادەکردنی تاک و کۆمەلگە کە
بە زۆری لەرێگەیی پەرورەدە، ئایین و مەدییا بەرپۆه
دەچیت.

٢ - ناسەقامگیری (بۆ ثبات کردن)

ئامانج ناسەقامگیر کردنی سەرجم پەیهوئندیەکان،
دەزگاکان و ریکخراوه قەبوول کراوهکانی ناو کۆمەلگەییە.
رژیم بە رێگەیی مۆرە و دەستەو تاقمەکانی چ لەناوخۆی
ئێران و دەرەوه لەهەولێ ناسەقامگیرکردنی ناوچەکەییە.
بە کردەوهی تیرۆریستی و ملیتاریزەکردنی کۆمەلگە و
بلاوکردنەوهی ماددەیی هۆشبەر و بلاوئێکردنی سیخوپی
و ریکخستن کردنی جاش و بە کریگێراو کۆمەلگە
ناسەقامگیر دەکات. بە سیاسەتی هەلەیی ئابووری و
گەندەل کردنی ئەو گۆرەپانە و قورخ کردنی لەژێر
چنگی چین و گرووپیکی مافیایی و گەندەل ئابووری
کۆمەلگەییان داڕماندوووه و سەرەرای ئەوهش هیز و لایەنە
دژبەرەکانی رژیمی پێ تاوانبار دەکەن و هۆکاری
گەشەنەسەندنی ئابووری لەکوردستان دەخەنە ئەستۆی
هیز و لایەنە کوردییەکان.

٣ - قەیران (بحران)

ئەو کاتە روودەدات کە کۆمەلگە ناتوانت بە باشی
بجووئیتەوه و پیکهاتەیی کۆمەلگە داوهپمیت. ئەوهش
دۆخیکە کە بەرپرسیانی رژیم کۆمەلگەییان گیرۆدەیی
قەیران کردوووه. بۆیە بە گشتی گەلانی ئێران لەئێستادا
بە دواي رزگارکەرێکەوهن. ئەوهش دەرھاوئیتەیی
سیاسەتی قەیرانواي رژیم لەبواری سەرجم رەهەندە
کۆمەلایەتی، سیاسی، ئابووری، دیپلۆماسی، سەربازی،
کۆمەلایەتی، پەرورەدەیی، تەندروستی و ... هتدەوهییە. کە
رێگا بۆ کۆمەلێک بژاردەیی مەترسیدار وەک بەرپابوونی
شەری ناوخۆیی لەئێران و دەستیوەردانی دەرەکی خوش
دەکات.

«رژیم به شهری هبیریدی دهیهویت
 ئەو دۆخه ئالۆزه ی تییدا به دۆخیکی
 ئاسایی لهقهلم بدات و ئەوانه
 كه ئالاھه لگري شۆرشن به تیکدەر و
 لادەر تۆمه تباریان دهکات که ولات
 ناسه قامگیر دهکەن و بۆ ره وایه تی
 پیدان به و شه ره چه په لهی؛ تیکۆشه ر،
 نازاد یخواز و شۆرشگێره کان له سیداره
 ده دات. وا ده نوینیت که کۆمه لگه
 پێویستی به تیکۆشان و کرده وه ی
 رادیکال له دژی ده سه لات نییه.
 تاییه ت ده سه لاتدارانی ئیستای رژیم
 زیاتر له هه ر قوناخیک پێویستی یان
 به سه قامگیری هه یه. بۆیه به بانگه شه
 و درۆ و فریودان ده یانه ویت سوود
 له وزه ی گه ل وه ربگرن»

٤ - ئاسایی کردنه وه (عادی سازی)

وشه یه کی ته شه راوییه که روژانه رژیم پروپاگهنده ی
 له سه ر ده کات. به په ی ره کردنی ئەو سیاسه تانه ی که
 باس مان کرد داخۆ چ قوژبن و پینگه یه کی ناو ده سه لات و
 کۆمه لگه له دۆخی ئاسایی دایه که رژیم به دوورگه ی
 ئارام پیناسه ی له سه ر ده کات. له کاتی که گه لان به
 شۆرشی ژن ژیان نازادی شۆرش پیکیان له دژی رژیم به رپا
 کردوه و ئالای ئەو شۆر شه روژانه له ناو جومگه کانی
 کۆمه لگه و ده سه لات ده شه کپته وه و رژیم به زۆره ملی
 ده سه لاتدار ی خو ی به سه ر گه ل و کۆمه لگه ده سه پینیت.
 له کاتی که رژیم ولاتی میلیتاریزه کردوه. هه ر گۆشه یه کی
 شار و گوندی به چه ک و چۆلی سه ربازی ته ناندوه.
 به بۆردمانی هزری و ئایدیۆلۆژی له هه ولی فه تحکردنی

هه موو پیکهاته یه کی ناو کۆمه لگه یه و روژانه به سزای
 له سیداره دان کۆمه لگه چاوتر سین ده کات. گه ل له ناو
 هه ژاری، گرانی و نه بوونی و بئ ده ره تانیدا چه قیندارون،
 ئەو کات چ بابه ت و شتی که گه راوه ته وه دۆخی ئاسایی
 خو ی.

رژیم به شهری هبیریدی دهیهویت ئەو دۆخه
 ئالۆزه ی تییدا به به دۆخیکی ئاسایی لهقهلم بدات
 و ئەوانه ی که ئالاھه لگري شۆرشن به تیکدەر و لادەر
 تۆمه تباریان ده کات که ولات ناسه قامگیر ده کەن و
 بۆ ره وایه تی پیدان به و شه ره چه په له ی؛ تیکۆشه ر،
 نازاد یخواز و شۆرشگێره کان له سیداره ده دات. وا
 ده نوینیت که کۆمه لگه پێویستی به تیکۆشان و
 کرده وه ی رادیکال له دژی ده سه لات نییه. تاییه ت
 ده سه لاتدارانی ئیستای رژیم زیاتر له هه ر قوناخیک
 پێویستی یان به سه قامگیری هه یه. بۆیه به بانگه شه
 و درۆ و فریودان ده یانه ویت سوود له وزه ی گه ل
 وه ربگرن. تا دوا به دوا ی شۆرشی ژن ژیان نازادی
 جار یکی دیکه له هه موو بواری که وه ولات داگیر بکه نه وه
 و سوو ئیستفاده له سه ر که وتنی گه ل بکه ن. واتا رژیم
 به ئاسایی نیشان دانی دۆخی ناوخۆ ده یه ویت بلیت
 که ئیدی پێویستی به شۆرش و ده ربیرینی ناره زایه تی
 نییه و رژیم گه راوه ته وه پینگه ی سه ره کی خو ی و
 ناره زایه تیه کانیان دا پلۆساندوه. له کاتی که ناوخۆی ئیران
 لیوانلیوه له تیرۆر و کوشتنی که سانی ناپازی و سه رجه م
 پیکهاته و ره نگه کانی ولات په راویز خراون. بۆیه تاکه
 بژارده و ریگای چاره سه ری رژیم که به قوناخی ئاسایی
 بوونه وه (عادی سازی) له قه له می ده دات، به کار بردنی
 هیزی سه ربازی له دژی گه ل و کۆمه لگه یه. بێگومان
 رژیم به م شه ره ی به رپا ی کردوه و ناتوانیت له شه پۆلی
 تووریه ی گه ل و ستراتژی سه رده میانه ی گه ل که شه ری
 شۆرشگێری گه له رزگاری بیت و به بانگه شه ی کۆنترۆل
 کردنه وه ی دۆخی کۆمه لگه و ئاسایی بوونه وه ی دۆخه که
 راستییه کان په رده پۆش بکات و خو ی له ژیر دیواری فیل
 و ته له که، درۆ و چه واشه کاری چه شار بدات.

به رده وام ده بی ...

ژن بووم و کورد



له چاوه‌پروانی، پرسیار بوو بیزاری کردم له ریگی بئ‌ئامانج. من زوو زانیم ته‌نیا پرسیاره سنوره‌کان ده‌برئ. هه‌ر خیرا زانیم جوانترین موعجیزه خودی پرسیاره. فیر بووم ئه‌و ژنانه‌ی نازانن بۆ کوئی بچن ئاوارهن. ئه‌وانه‌ی که وینه‌ی راسته‌قینه‌ی خویان نه‌دیوه کویرن. ئه‌وانه‌ی که ده‌سته‌ملانی پرسیار نه‌بوون تا ئه‌به‌د بئ‌ئوینن. ئاخ ئه‌وانه‌ی چۆن ده‌توانن باسی خویان بکه‌ن. چۆن زمانیان دیته‌گو. من که‌سیکم بیزاربووم له هه‌رچی ئاوینه‌ی درۆزنه. له‌و ئاوینانه‌ی که خۆم سازم نه‌کردوون. ئه‌وانه‌ی بالانوین نین. من رۆحی پرسیارم کرد به‌جه‌سته‌ی خه‌یالنه‌ بئ‌گیانه‌کاندا. من لافاوی پرسیارم به‌ردایه‌سه‌ر داوه‌لی سه‌ر سنوره‌کان. من پرسیار و ریگام پیکه‌وه‌گریدا، من کاکلی پرسیار و ناوکی وه‌لامم کرده‌تیشووی ریگا. من و ریگا و پرسیار به‌یه‌که‌وه‌له‌سه‌ر خواتیک له‌سه‌ر سفره‌یه‌ک تامی وه‌لاممان چیشته. تامی تفت، تامی تال، تامی شیرین، تامی مزر، تامی نه‌ناسراو، تامی نه‌چیژراو، تامی تامه‌زرۆیی و تاسه‌و رویشتن و

زۆر دژواره‌له‌دونیابه‌کدا بژی که هیچ شتیک ئاوینته‌نه‌بی و نه‌توانی له‌هیچ شتیکدا وینه‌ی راسته‌قینه‌ی خۆت بینی. زۆر ئه‌سته‌مه‌هه‌تا‌گه‌ردن لیوانلیو بی له‌چاوه‌پروانی و ده‌سته‌وه‌ئۆنۆ به‌ته‌مای موعجیزه‌بی تا له‌مردن دوورت بخاته‌وه. سه‌غله‌ته‌له‌دونیابه‌کدا بژی پر بئ‌له‌ریگا و تۆش پر بی له‌هه‌ستی ئاواره‌یی. زه‌حه‌ته‌هه‌تا‌دو‌اسات هه‌ر سنوور بژمیری. هه‌ر پرسیا‌ری که‌له‌که‌بوو له‌میشکدا په‌نگ‌بخواته‌وه‌و وه‌ک چه‌قل به‌رۆختدا پرواته‌خوار و نه‌زانی له‌پشت سنوره‌کان چی هه‌یه؟ من له‌و دونیابه‌دا چاوم هه‌لینا. ژن بووم و کورد. دوو هه‌بوونی پر له‌پرسیار، دوو هه‌بوونی به‌سنوور ده‌ره‌تان لیپراو، دوو جه‌سته‌ی پر له‌چاوه‌پروانی دریژ به‌قه‌ده‌هه‌موو ریگا ناکو‌تاکان. دوو ریپوار له‌یه‌ک که‌سدا. دوو هاوار له‌گه‌روویه‌کدا، دوو سنووری تیک‌ئالو، دوو چاوه‌پروانی له‌ئامیزیکدا.

من، هه‌ر زوو پرسیار هه‌لیگرتم. پرسیار بوو بیزاری کردم له‌بئ‌ئاوینه‌یی، پرسیار بوو بیزاری کردم

و قریوہی ھەلمەتی سواری شکاکم، نەسیمیکی بەرەبەیانێ ئەوورین. ئەمجارە ئارییەن بووم. لە سەر لووتکە ی داڵان پەری خەیاڵ، لووتکە ی زاگرۆسی ئاوات و سەرکەوتن.

رۆیشتن، تامی شەقەردنی سنوورە خەیاڵییەکان، سنوورە راستەقینەکان، سنوورە وەھمییەکان، تامی ترازانی لێلی، تەمۆکی، تامی دەرکەوتن و ھەلاتنی ناپەیداگان، شاردراوہەکان، تامی خۆبوون، تامی ئازادی پاش دیتنەوہی ریگا تازەکان، ریازە نوێیەکان.

دەستم کرد بە سوانەوہی ھەموو شتیک، تا بیانکەم بە ئاوینە. تا خۆمیان تیدا ببینم. زەوی و ئاسمان و دار و بەرد، رووبار و ماڵ و مەرۆف و ئەندیشە و خەیاڵ. ئەوئەندەم سوونەوہ تا زوڵالی تا روونی. تا ئاوینە ی مانا. تا خۆدیتن.

لە ھەر بستیە ریگایە کدا پەشۆکان و دلەپراوکیم دەناشت و پتەوتر ھەنگاوم دەنا. ھەر لەو ریگایەدا ژنم ناسی، ژیانم ناسی، نەتەوہم ناسی و ئازارەکانی نەتەوہکەمم ناسی. گەر یلام ناسی و ریگای دژوار و درێژمەودای ئازادیم دۆزییەوہ. من لە ئاوینە ی نیشتمان، لە ئاوینە ی زام و ئیشا، لە ئاوینە ی بالانویینی گەلدا ھەموو سنوورە نادیارەکانی خۆمم بینی. لە دیرینەوہ بو ئیستا و بەرەو ئاینە. وینە یەک کە لە ھیچ ئاوینە ی کدا پەنگ ناخواتەوہ. پاتە دەبیتەوہ دەشینتەوہ و گەشەدەکا. وینە یەکی زیندووی پەر ژیان. من وینە یەک دەبینم مەگەر لە گلینە ی چاوی نەتەوہ ی کدا جیگە ی بیتەوہ. شوناسی دزراو و دەسبەسەرداگیراوم دەبینم. منیکی زایە لەبەستوو تا ھەتا و تا نادیار. ئیستا لە خۆم دەرکەوتووم و لە دەرەوہی جەستە و لە شەم ھەنگاو دەنیم. دەست لە بئ سنووری خۆم دەدەم. دەست لە ئازادی دەدەم. من شوناسی برینداری خۆم لە باوہش دەگرم و دەیلانینمەوہ.

دەستی شوناسم گرت و بووینە ریواری نیشتمانی بئ لێوار و قەراغ. ئیتر من کچی قەتییسی ناو ھەناسە ی ئاواپیەک یا شارەدییەک نەبووم. من جەستە یەک بووم لە بە فراوی ھەراوی شاھۆ و لە گۆل ھەناری ھەورامان و کانیوای پەر چپە و سرتە ی ژاوەرۆ و لە رەزی رازاوی مەریوان و شەپۆلانی زریبار و قژ و بژی دارستان و کازیوہی قەندیل و قەلایەک بووم لە رەوہزی ئاسۆس و دەنگیک بووم لە زریکە و ھاوار و نەعەرەتە ی دمدم

«لە ھەر بستیە ریگایە کدا پەشۆکان و دلەپراوکەم دەناشت و پتەوتر ھەنگاوم دەنا. ھەر لەو ریگایەدا ژنم ناسی، ژیانم ناسی، نەتەوہم ناسی و ئازارەکانی نەتەوہکەمم ناسی. گەر یلام ناسی و ریگای دژوار و درێژمەودای ئازادیم دۆزییەوہ. من لە ئاوینە ی نیشتمان، لە ئاوینە ی زام و ئیشا، لە ئاوینە ی بالانویینی گەلدا ھەموو سنوورە نادیارەکانی خۆمم بینی»

بوومە ھەلگر و ریزانی شوناس بەرەو ئاینە. پەر ئەندیشە و تامەزرۆ، چەکی بپروا و یەقین لە دەست و زەمزمە ی ژن، ژیان، ئازادی لەسەر لێو، خوینی پرسیار لە رەگما و بیزارتر لە سنوور. ھەنگاو بە ھەنگاو تووی گپکانم چاند. خرۆشئ رووبارم بەخشێوہ، برووسکەم دابەش دەکرد، دەنگی تازەم متوربە دەکرد، چەپکە ئاسۆم پیشکەش کرد، چرای ئاواتم داگیرساند.

سأل ھات و چوو، بەلام من تینووتر لە ھەر دەمی بین بە ریگاوە دەنیم و دەپۆم، ئیتر ئەوہ ماوہ یەکە، گەرگرتوو و گلپە ئاسا کەند و کۆسپ و ھەوراز دەتوینمەوہ، دەزانم نەتەوہ یەکی ریواری ئازادی بەرپۆیە و من لەوینم لە پیشەوہ و بو ھەمیشە ترپە ی دلم ئاھەنگی نەسەرەوتنە بەرەو ئاسۆی روونی ئازادی.

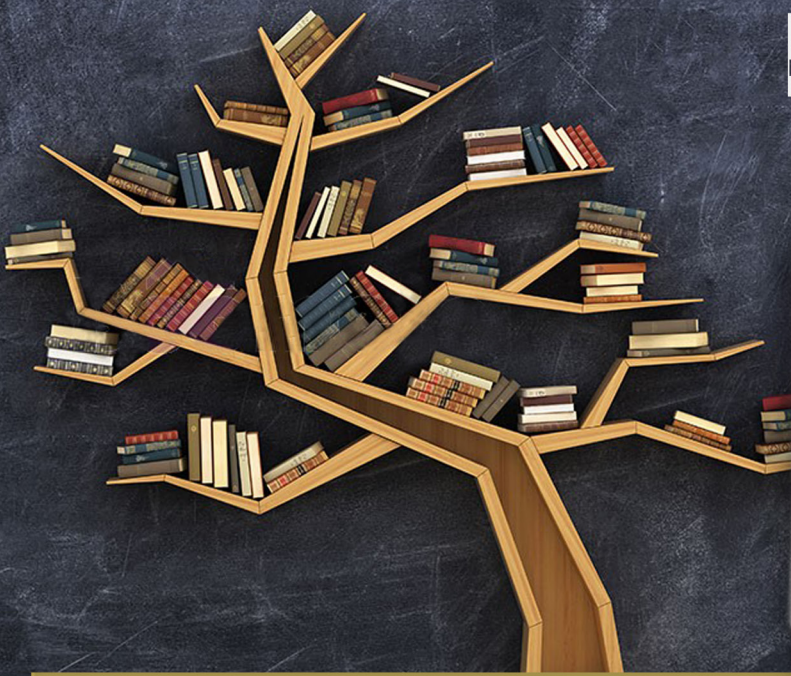
ھاوڕپی شەھید

شہید

منا

کیا کسار





کتاب «مسئله شخصیت در کردستان»

نوشته : عبدالله اوجالان

کتاب «مسئله شخصیت در کردستان» از جمله درس‌گفتارهای رهبر آپو است که بصورت کتاب درآمد. این اثر در سال ۲۰۰۸ توسط رفیق «رامان جاوید» که مدتی پس از اتمام ترجمه این کتاب به شهادت رسید، آماده گشت.

طرح مسئله شخصیت در کردستان برای اولین بار بصورت علمی از سوی رهبر ملت کورد، رهبر آپو صورت گرفت. آن هم به شیوه‌ای که هیچ عمل مدرنی در معاصر حتی «روانشناسی شخصیت» نتوانسته در این ابعاد که رهبر آپو طرح کرده، به تحلیل بود و نبود انسان پردازد. گذشته از اینکه اثر حاضر دارای ابعاد جامعه و جهانی است و می‌تواند برنامه‌ای برای خودسازی شخصیت عالی باشد. فروپاشی روانشناسی کلاسیک هم هست. طوری که شخصیتی از مبارز ساخته و پرداخته شده که فراتر از مرزهای احساس و عمل روانشناسی، اعمال فوق‌العاده دارد.

برای دریافت فایل می‌توانید به سایت پژاک مراجعه نمایید

<https://pjak.net/fa/10574>



**No To Execution
Yes To Free Life**



Alternative 33